



ظرفیت‌ها و موانع تجاری ایران و مصر؛ ترسیم چشم‌انداز آینده



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

ظرفیت‌ها و موانع تجاری ایران و مصر؛

ترسیم چشم‌انداز آینده

تهیه‌کننده: فاطمه علیزاده آغ‌اسمعیلی

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود را به واحد

مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

تیر ۱۴۰۵



خلاصه مدیریتی

جمهوری عربی مصر به عنوان یکی از کانون‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاورمیانه و شمال آفریقا، به واسطه موقعیت جغرافیایی ممتاز خود در نقطه اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و نیز تسلط بر یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی تجارت و انرژی جهان یعنی کانال سوئز، از جایگاهی تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از شرق به دریای سرخ و شبه‌جزیره سینا و از جنوب و غرب به سودان و لیبی متصل بوده و از طریق رود نیل نیز به عمق قاره آفریقا پیوند می‌خورد؛ امری که در مجموع، مصر را در موقعیتی کم‌نظیر برای ایفای نقش هم‌زمان در سه حوزه ژئوپلیتیکی آفریقا، جهان عرب و نظام بین‌الملل قرار داده است.

در سطح جمعیتی نیز مصر با بیش از ۱۱۰ تا ۱۱۹ میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۲۵، یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرفی منطقه محسوب می‌شود که به واسطه ساختار جمعیتی جوان، روند شهرنشینی فزاینده و سطح نسبتاً بالای مشارکت نیروی کار، ظرفیت قابل توجهی برای جذب سرمایه، توسعه تجارت و گسترش همکاری‌های اقتصادی فراهم کرده است. هرچند هم‌زمان با این ظرفیت‌ها، اقتصاد این کشور با چالش‌های ساختاری همچون وابستگی به واردات کالاهای اساسی، فشارهای تورمی، آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی به‌ویژه در حوزه انرژی و غذا و نیز کسری مزمن تجاری مواجه است. در همین چارچوب، سیاست اقتصادی مصر در قالب چشم‌انداز توسعه پایدار ۲۰۳۰ و استراتژی صنعتی‌سازی کشور، معطوف به کاهش نقش دولت، تقویت بخش خصوصی، توسعه صادرات و تبدیل این کشور به یک مرکز صنعتی و تجاری در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تنظیم شده است، با این حال ساختار اقتصاد همچنان متأثر از نقش پررنگ نهادهای شبه‌دولتی و وابستگی قابل توجه به سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه از سوی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که به عنوان یکی از ستون‌های ثبات مالی و ارزی مصر عمل می‌کنند.

از منظر تجارت خارجی نیز مصر در سال ۲۰۲۵ با ثبت بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار واردات و بیش از ۵۰ میلیارد دلار صادرات، در زمره اقتصادهای نسبتاً بزرگ منطقه قرار دارد، اما همچنان با کسری ساختاری در تراز تجاری مواجه است و بخش عمده واردات آن شامل سوخت، غلات و کالاهای واسطه‌ای است که نشان‌دهنده تداوم وابستگی این کشور به بازارهای جهانی در حوزه‌های راهبردی است.

در سطح سیاست خارجی، مصر در دوره عبدالفتاح السیسی به سمت یک الگوی موازنه‌گر چندبرداری حرکت کرده که در آن تلاش می‌شود ضمن حفظ روابط راهبردی با ایالات متحده و اتحادیه اروپا، تعاملات اقتصادی و سیاسی با قدرت‌های نوظهور نظیر چین، روسیه و بلوک‌های چندجانبه همچون بریکس نیز گسترش یابد؛ رویکردی که در پاسخ به تحولات نظام بین‌الملل و روند فزاینده چندقطبی شدن آن شکل گرفته و هدف آن افزایش استقلال نسبی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی است، هرچند این سیاست هم‌زمان در معرض محدودیت‌های ساختاری ناشی از وابستگی مالی، بحران‌های امنیتی پیرامونی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در محیط شرق مدیترانه، لیبی، سودان و شاخ آفریقا قرار دارد.

در چنین بستری، روابط ایران و مصر نیز واجد ماهیتی پیچیده و چندلایه است که ریشه در تحولات تاریخی، شکاف‌های ایدئولوژیک و رقابت‌های ژئوپلیتیکی چند دهه گذشته دارد؛ روابطی که پس از قطع رسمی در سال ۱۳۵۸ عمده‌تاً در وضعیت محدود و غیررسمی باقی مانده و تحت تأثیر عواملی همچون اختلافات سیاسی در خصوص پیمان کمپ‌دیوید، همسویی‌های امنیتی مصر با ایالات متحده و کشورهای عربی محافظه‌کار، جنگ ایران و عراق و نیز بی‌اعتمادی‌های انباشته تاریخی، امکان



نهادینه‌سازی نیافته است، با این حال در سال‌های اخیر و در پی تحولات ساختاری در نظم منطقه‌ای از جمله کاهش تنش میان ایران و عربستان سعودی، افزایش گرایش کشورها به دیپلماسی اقتصادی و تغییر اولویت دولت‌های منطقه از رقابت‌های ایدئولوژیک به توسعه اقتصادی، زمینه‌های جدیدی برای بازتعریف روابط تهران و قاهره ایجاد شده است. بررسی روند تجارت دوجانبه نشان می‌دهد که سطح مبادلات اقتصادی ایران و مصر در دهه‌های اخیر همواره محدود، نوسانی و به‌مراتب پایین‌تر از ظرفیت‌های بالقوه بوده است، به‌گونه‌ای که سهم ایران در بازار مصر و بالعکس ناچیز باقی مانده و ساختار تجارت دوجانبه فاقد پیوستگی نهادی و زنجیره ارزش پایدار بوده است در حالی که تحلیل ظرفیت‌های مکمل دو اقتصاد نشان می‌دهد حوزه‌هایی نظیر پتروشیمی، صنایع معدنی، دارو و تجهیزات پزشکی، کشاورزی، صنایع غذایی، فناوری اطلاعات و خدمات دانش‌بنیان دارای ظرفیت‌های بالفعل برای توسعه همکاری هستند.

در سطح فرصت‌های راهبردی، مصر به‌تدریج در حال تبدیل شدن به هاب انرژی شرق مدیترانه از طریق توسعه ظرفیت‌های گاز طبیعی، LNG و انرژی‌های تجدیدپذیر است و هم‌زمان در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای خود به سمت اقتصاد دیجیتال و شهرهای هوشمند حرکت می‌کند، در حالی که ایران نیز در حوزه انرژی، صنایع پتروشیمی، داروسازی و فناوری‌های نوین از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری همکاری‌های مکمل میان دو کشور باشد؛ همچنین موقعیت ژئواکونومیکی مصر در دسترسی به بازارهای آفریقا از طریق توافق‌نامه‌هایی مانند COMESA و موقعیت ترانزیتی ایران در اتصال آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس، امکان تعریف یک شبکه همکاری گسترده‌تر در سطح منطقه‌ای را فراهم می‌سازد.

با این وجود، مجموعه‌ای از موانع ساختاری، سیاسی و ژئوپلیتیکی همچنان مانع اصلی توسعه روابط دو کشور محسوب می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی و بانکی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، نبود سازوکارهای نهادی پایدار برای گفت‌وگو و همکاری، اختلافات ادراکی در خصوص نظم منطقه‌ای و نقش منطقه‌ای ایران و نیز رقابت‌های ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه، خلیج فارس و شمال آفریقا اشاره کرد. در چنین شرایطی، جمع‌بندی تحلیلی نشان می‌دهد که مصر در حال حاضر در مرحله‌ای از بازتعریف نقش منطقه‌ای و تنوع‌بخشی به شرکای خارجی خود قرار دارد و این وضعیت می‌تواند فرصت محدودی اما معنادار برای ورود تدریجی ایران به معادلات اقتصادی این کشور فراهم سازد، مشروط بر آنکه روابط دوجانبه در چارچوبی مرحله‌ای، اقتصادی‌محور و مبتنی بر اعتمادسازی تدریجی تعریف شود؛ الگویی که در تجربه کشورهای نظیر هند و امارات، ترکیه و مصر و همچنین عربستان و عراق مشاهده شده است.

بر این اساس، مسیر بهینه همکاری میان ایران و مصر نه از طریق جهش‌های سیاسی، بلکه از مسیر توسعه تدریجی همکاری‌های اقتصادی، ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین، تقویت پیوندهای لجستیکی و ترانزیتی، گسترش تعاملات بخش خصوصی، توسعه گردشگری و همکاری‌های فرهنگی و در نهایت ایجاد کانال‌های پایدار گفت‌وگوی امنیتی قابل تحقق است، به‌گونه‌ای که همکاری اقتصادی به‌تدریج به کاهش بی‌اعتمادی سیاسی و شکل‌گیری نوعی همگرایی محدود اما پایدار در سطح منطقه‌ای منجر شود. بازنگری در روابط گذشته، بازیابی عناصر مشترک دو تمدن ایران و مصر و احیای مضامین معنوی و فرهنگی در قالب‌های نو، امری به‌جا و موثر به‌شمار می‌آید.



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۷.....	۱. نمای کلی از کشور مصر؛ گذری بر جامعه و اقتصاد
۱۰.....	۱-۱. اقتصاد مصر در یک نگاه
۱۱.....	۲-۱. نظام سیاسی و حکومتی مصر
۱۲.....	۲. سیاست خارجی مصر
۱۳.....	۱-۲. مروری بر روند تجارت مصر
۱۳.....	۲-۱-۱. تجارت مصر با جهان
۱۴.....	۲-۱-۲. عمده شرکای تجاری مصر
۱۶.....	۲-۱-۳. عمده گروه کالاهای صادراتی مصر در سال ۲۰۲۵
۱۷.....	۲-۱-۴. عمده گروه کالاهای وارداتی مصر در سال ۲۰۲۵
۱۷.....	۲-۳. روابط مصر و آمریکا
۱۹.....	۲-۴. روابط مصر و اسرائیل
۲۱.....	۳. روابط دوجانبه ایران و مصر
۲۲.....	۳-۱. روند تجارت ایران و مصر (بدون احتساب نفت خام) بر اساس داده‌های گمرک
۲۳.....	۳-۲. صادرات ایران به مصر به تفکیک گروه کالایی در ده ماهه ۱۴۰۴
۲۴.....	۳-۳. واردات ایران به مصر به تفکیک گروه کالایی در ده ماهه ۱۴۰۴
۲۵.....	۳-۴. پتانسیل صادراتی ایران به مصر
۲۵.....	۴. فرصت‌های تجاری بین ایران و مصر
۲۹.....	۵. موانع تجاری بین ایران و مصر
۳۰.....	۶. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی



مقدمه

در پی تحولات ژئوپلیتیکی اخیر، تشدید رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حرکت نظام بین‌الملل به سمت چندقطبی شدن، اهمیت بازتعریف روابط میان بازیگران کلیدی خاورمیانه بیش از پیش افزایش یافته است. در این میان، جمهوری عربی مصر به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه، به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتاز در اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا، کنترل کانال سوئز و نقش محوری در کریدورهای تجارت و انرژی جهانی، جایگاهی راهبردی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. بر همین اساس، بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و مصر در چارچوب تحولات جدید منطقه‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این گزارش با هدف شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی-راهبردی مصر و همچنین احصاء موانع توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و این کشور تدوین شده است. در این راستا، ابتدا متغیرهای کلان اقتصادی، جمعیتی، ساختار سیاسی و حکمرانی مصر مورد بررسی قرار گرفته و سپس روند تجارت این کشور با جهان، شرکای عمده تجاری، ساختار کالاهای صادراتی و وارداتی و وضعیت روابط تجاری ایران و مصر تحلیل می‌شود. همچنین ظرفیت‌های بالقوه صادراتی ایران به بازار مصر شناسایی می‌گردد.

در ادامه، فرصت‌های همکاری اقتصادی و تجاری در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی، صنعت، فناوری و... بررسی شده و زمینه‌های توسعه مشارکت‌های دوجانبه تبیین می‌شود. در نهایت نیز موانع ساختاری، ژئوپلیتیکی و نهادی مؤثر بر روابط دو کشور تحلیل شده و مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی برای توسعه و تعمیق روابط اقتصادی ایران و مصر ارائه می‌گردد.



۱. نمای کلی از کشور مصر؛ گذری بر جامعه و اقتصاد

جمهوری عربی مصر از نظر جغرافیایی در شمال شرق قاره آفریقا واقع شده و به واسطه موقعیت راهبردی خود، یکی از مهم‌ترین کشورهای پیونددهنده آفریقا و آسیا به شمار می‌رود. این کشور از غرب با لیبی، از جنوب با سودان و از شمال شرق با اسرائیل هم‌مرز است. مرز مصر و سودان به‌ویژه در دو منطقه مثلث حلایب در امتداد دریای سرخ و بئر طویل در بخش داخلی، با اختلافات ارضی و ادعاهای متقابل دو کشور همراه است که دارای اهمیت ژئوپلیتیکی قابل توجهی است. موقعیت مصر بر پیوند میان رود نیل، دسترسی به دریای مدیترانه و دریای سرخ و کنترل یا تسلط بر شبه‌جزیره سینا استوار است. رود نیل مصر را به عمق قاره آفریقا متصل می‌سازد، در حالی که کانال سوئز نقش محوری در اتصال مسیرهای تجاری اروپا، آسیا و آفریقا ایفا کرده و جایگاه مصر را در نظام تجارت جهانی تقویت می‌کند. همچنین، دسترسی به دریای مدیترانه امکان تعامل مستقیم با اروپا را فراهم می‌آورد و موقعیت مصر در دریای سرخ آن را به یکی از گذرگاه‌های کلیدی ارتباط با شبه‌جزیره عربستان و قاره آسیا تبدیل می‌کند. در نهایت، شبه‌جزیره سینا به‌عنوان یک پل زمینی میان آفریقا و آسیا، مصر را به پویایی‌های امنیتی منطقه شام پیوند می‌دهد. این ترکیب منحصر به فرد از عوامل جغرافیایی، امکان کنش‌گری هم‌زمان مصر در سطوح آفریقایی، عربی و بین‌المللی را فراهم کرده و نقش ژئوپلیتیکی آن را در چندین عرصه تقویت می‌کند (آلبدوی^۱، ۲۰۲۲). این کشور با اسرائیل، لیبی و سودان مرز زمینی و با قبرس، یونان، بحرین، عربستان سعودی و مرز دریایی دارد.

مصر در بخش شمالی دارای حدود ۱۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی در امتداد دریای مدیترانه و در سمت شرق دارای نزدیک به ۱۹۰۰ کیلومتر خط ساحلی در امتداد دریای سرخ و خلیج عقبه است. این موقعیت جغرافیایی ممتاز، در کنار تسلط بر کانال سوئز به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های تجارت و انرژی جهان، موجب شده است که مصر از جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک برجسته‌ای در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار باشد. پایتخت این کشور قاهره است، قاهره از ظرفیت نسبتاً پایداری برای اثرگذاری در سطح منطقه برخوردار بوده و توانسته است علی‌رغم تحولات مداوم در موازنه قدرت و وجود چالش‌های داخلی، نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم در خاورمیانه حفظ کند (شاما^۲، ۲۰۲۰). بعد از قاهره، اسکندریه مهم‌ترین و بزرگترین شهر مصر است. قاهره مهم‌ترین شهر مذهبی این کشور بوده و اسکندریه شهر صنعتی و تجاری بسیار مهم این کشور است که به دلیل لوله‌های نفت و گاز و جایگاه تجاری آن و موقعیت آن در کشاورزی، اهمیت زیادی دارد. بندر پورت سعید نیز یکی از مهم‌ترین بنادر این کشور است که در انتهای شمالی کانال سوئز و کرانه غربی آن است.

بر اساس برآوردهای سازمان ملل متحد (۲۰۲۵)، جمعیت این کشور حدود ۱۱۹ میلیون نفر برآورد می‌شود و روند رشد جمعیت آن نشان‌دهنده کاهش تدریجی از حدود ۲ درصد در سال ۲۰۱۵ به حدود ۱.۵ درصد در سال ۲۰۲۵ است. بر اساس داده‌های بانک جهانی^۳، در سال ۲۰۲۵ نرخ مشارکت نیروی کار (جمعیت ۱۵ سال و بالاتر) در مصر ۴۵ درصد برآورد شده است که حاکی از سطح نسبتاً بالاتر حضور فعال جمعیت در بازار کار در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه است. در مقابل، این شاخص در ایران ۴۱ درصد گزارش شده و بیانگر سطح پایین‌تر مشارکت نیروی کار و وجود محدودیت‌های نسبی در جذب و به‌کارگیری جمعیت در بازار کار این کشور است. همچنین در همین سال، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در مصر ۱۸ درصد و در ایران ۱۴ درصد گزارش شده است. بر اساس داده‌های سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۵، ساختار اشتغال در مصر

^۱ Albedwawi

^۲ Shama

^۳ برای مشاهده جزئیات بیشتر بر روی [لینک](#) کلیک نمایید.



نشان می‌دهد که بخش خدمات با سهم ۵۲.۷ درصدی، بزرگ‌ترین سهم را در جذب نیروی کار به خود اختصاص داده است. پس از آن، بخش صنعت با ۲۸.۶ درصد و بخش کشاورزی با ۱۸.۷ درصد قرار دارند که بیانگر نقش قابل توجه فعالیت‌های خدماتی و همچنین حضور نسبتاً پایدار بخش کشاورزی در اقتصاد اشتغال‌زای این کشور است.

در مقابل، در ایران توزیع اشتغال تا حدودی متفاوت است؛ به‌طوری‌که بخش خدمات با ۵۰.۷ درصد همچنان بخش غالب اشتغال محسوب می‌شود، اما سهم صنعت با ۳۵ درصد نسبت به مصر بالاتر بوده و نشان‌دهنده وزن بیشتر فعالیت‌های صنعتی در ساختار بازار کار ایران است. در همین حال، بخش کشاورزی با ۱۴.۳ درصد کمترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده و در مقایسه با مصر از اهمیت نسبی پایین‌تری برخوردار است. در مجموع، مقایسه این دو کشور نشان می‌دهد که هرچند هر دو اقتصاد به‌طور غالب خدمات‌محور هستند، اما مصر در مقایسه با ایران سهم بالاتری از اشتغال در کشاورزی و سهم پایین‌تری در صنعت دارد، در حالی که ایران ساختار صنعتی‌تری در ترکیب اشتغال خود نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه شاخص‌های جمعیتی مصر

منبع	سال	واحد	مقدار شاخص	شاخص
UN	۲۰۲۵	نفر	۱۱۸,۳۶۶,۰۰۰	جمعیت
UN	۲۰۲۵	نفر در هر کیلومتر مربع	۱۱۸.۹	تراکم جمعیت
UN	۲۰۲۵	درصد	۱.۵	نرخ رشد جمعیت
World bank	۲۰۲۵	درصد	۷۱	نرخ مشارکت اقتصادی مردان
World bank	۲۰۲۵	درصد	۱۸	نرخ مشارکت اقتصادی زنان
World bank	۲۰۲۴	درصد	۴۳	جمعیت شهری - سهم از کل جمعیت
World bank	۲۰۲۴	درصد	۵۷	جمعیت روستایی - سهم از کل جمعیت

با وجود وسعت قابل توجه سرزمینی مصر، بخش اعظم اراضی این کشور را مناطق بیابانی تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تنها حدود ۷.۷ درصد از مساحت کشور محل استقرار و سکونت جمعیت است. در همین راستا، دولت مصر طی سال‌های اخیر اجرای سیاست‌های توسعه و احیای اراضی و ایجاد شهرها و سکونتگاه‌های جدید در مناطق بیابانی را با هدف کاهش تمرکز جمعیت در نواحی سنتی سکونت دنبال کرده است. با این وجود، کانون اصلی استقرار جمعیت همچنان در دلتای رود نیل و در امتداد دره نیل قرار دارد. از منظر تقسیمات کشوری، مصر به ۲۷ استان تقسیم می‌شود که چهار استان قاهره، اسکندریه، پورت سعید و سوئز در زمره استان‌های کاملاً شهری قرار گرفته و فاقد جمعیت روستایی هستند، در حالی که سایر استان‌ها شامل هر دو بخش شهری و روستایی می‌باشند (یونیسف، ۲۰۲۴). مصر به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئو اقتصادی خود و قرار گرفتن در یکی از مهم‌ترین کریدورهای تاریخی تجارت، حمل‌ونقل و جابه‌جایی جمعیت، در طول زمان به یکی از مقاصد اصلی استقرار مهاجران و پناهجویان در منطقه تبدیل شده و امروزه میزبان گروه قابل توجهی از مهاجران دائمی و موقت از کشورهای مختلف است (صفوی، ۱۳۹۴).

با گذشت زمان موجی از مهاجران جدید در ترکیب محلی مردم مصر جذب شده‌اند و در حال حاضر مصر امروز را به ترکیبی از لیبی‌ها، نوبیان‌ها، سوری‌ها، ایرانیان، مقدونیان، رومیان، عرب‌ها، ترک‌ها، یونانی‌ها، ایتالیایی‌ها و آرامنه به همراه نسل‌های



مصر باستان تشکیل داده‌اند. مصر کشوری است که از سالیان گذشته حتی ۶۰۰۰ سال پیش همواره توسط ترکیب و اختلاط نژادی شناخته می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان به‌طور قاطعانه بیان داشت که ریشه نژادهای مصری دقیقا به کجا برمی‌گردد؛ اما چیزی که مسلم است این است که زبان و هویت فرهنگی مصریان به شدت توسط تاثیر و نفوذ بی‌حد و حصر عرب‌ها قرار گرفت و تغییر پیدا کرد.

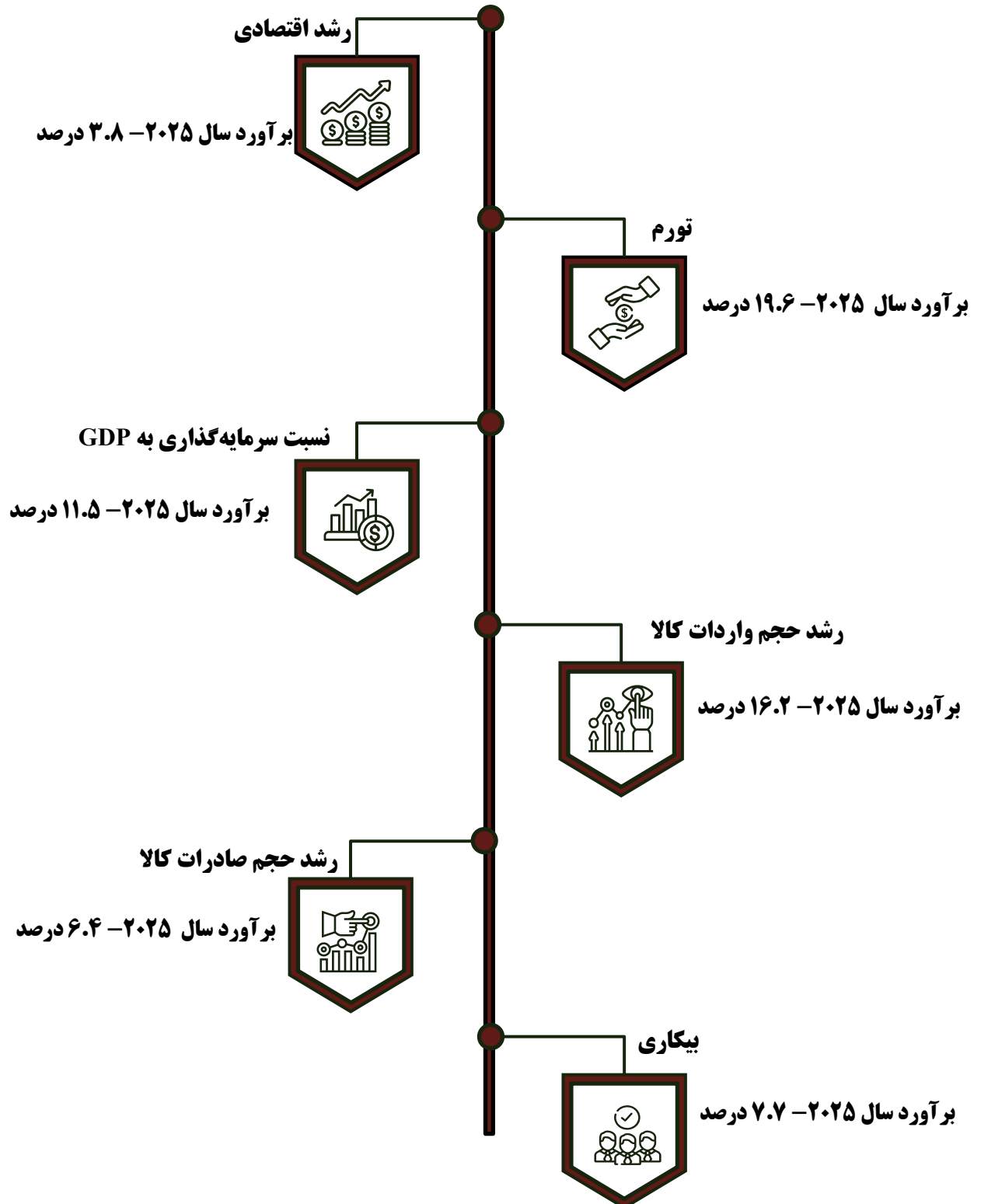
دیپلماسی فرهنگی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم مصر و از ابزارهای اصلی این کشور برای حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. قاهره به پشتوانه جایگاه تاریخی خود در جهان عرب و اسلام، همواره تلاش کرده است از ظرفیت‌های فرهنگی، مذهبی و تمدنی برای تقویت نقش‌آفرینی خود در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بهره گیرد. در این چارچوب، حضور فعال مصر در سازمان همکاری اسلامی و مشارکت در شکل‌دهی به برخی از مهم‌ترین ابتکارات و اسناد جهان اسلام، نشان‌دهنده تلاش این کشور برای تثبیت جایگاه خود به عنوان یکی از بازیگران اثرگذار در عرصه مسائل اسلامی است. مصر همچنین از طریق طرح موضوعاتی همچون مقابله با افراط‌گرایی، اسلام‌هراسی و ترویج گفت‌وگوی بین ادیان، می‌کوشد تصویری از خود به عنوان کشوری معتدل، باثبات و دارای نقش سازنده در مدیریت چالش‌های فکری و امنیتی جهان اسلام ارائه دهد.

در کنار مؤلفه‌های دینی، میراث تمدنی مصر یکی از مهم‌ترین منابع نفوذ بین‌المللی این کشور محسوب می‌شود. تمدن باستانی مصر، میراث اسلامی و تاریخ قبطی، مجموعه‌ای کم‌نظیر از سرمایه‌های فرهنگی را در اختیار قاهره قرار داده است که نقش مهمی در ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور ایفا می‌کنند. دولت مصر از طریق برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، توسعه همکاری با موزه‌ها و مؤسسات علمی بین‌المللی، اجرای پروژه‌های مرمت آثار تاریخی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین دیجیتال، تلاش می‌کند روایت تاریخی و تمدنی خود را در سطح جهانی بازنمایی کند. این اقدامات علاوه بر تقویت تعاملات فرهنگی، در جذب گردشگران، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و افزایش اعتبار و پرستیژ بین‌المللی مصر نیز مؤثر بوده است (چزیزا و لوتمار^۴، ۲۰۲۵).

⁴ Chaziza and Lutmar



۱-۱. اقتصاد مصر در یک نگاه



منبع: صندوق بین المللی پول



۱-۲. نظام سیاسی و حکومتی مصر

مصر از جمله کشورهایی است که همانند ایران از پیشینه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی برخوردار است، با این حال شکل‌گیری تجربه دولت مدرن در این کشور به اوایل قرن نوزدهم و دوره حکومت خاندان محمدعلی پاشا بازمی‌گردد. در این دوره، محمدعلی پاشا با الهام از الگوهای دولت‌سازی اروپایی و در راستای پروژه نوسازی اداری و نظامی، تلاش‌هایی برای ایجاد ساختار دولت متمرکز و مدرن در مصر آغاز کرد. این روند شامل اصلاحات نهادی گسترده و تلاش برای تنظیم چارچوب‌های حقوقی و اداری جدید بود که از جمله آن می‌توان به ارائه طرح‌های اولیه قانون‌گذاری و ایجاد نهادهای مشورتی اشاره کرد. در ادامه این روند، تلاش‌هایی برای تدوین قواعد حکمرانی رسمی صورت گرفت؛ به گونه‌ای که در نیمه اول قرن نوزدهم، مجموعه‌ای از مقررات اداری و حقوقی تحت عنوان سیاست‌نامه تدوین شد که به عنوان یکی از نخستین تلاش‌ها برای نظام‌مند کردن حکمرانی در مصر مدرن تلقی می‌شود. این فرایند در دوره‌های بعدی توسعه یافت و نهایتاً به شکل‌گیری چارچوب‌های قانون اساسی در اواخر قرن نوزدهم منجر شد.

پس از اشغال مصر توسط بریتانیا در سال ۱۸۸۲، روند توسعه قانون اساسی متوقف و بخش‌هایی از نظام حقوقی و سیاسی معلق شد. در این دوره، بازگشت به نظام قانون اساسی یکی از مطالبات اصلی جنبش ملی‌گرای مصر بود. در نتیجه، پس از پایان قیمومت و کسب استقلال نسبی، قانون اساسی ۱۹۲۳ به عنوان چارچوب اصلی نظم سیاسی کشور تصویب شد و تا زمان سقوط نظام سلطنتی در سال ۱۹۵۲ مبنای اداره کشور باقی ماند.

با وقوع انقلاب ۱۹۵۲ و قدرت‌گیری جنبش افسران آزاد، نظام سلطنتی منحل و جمهوری مصر تأسیس شد. در پی این تحول، قانون اساسی موقت ۱۹۵۳ و سپس قانون اساسی ۱۹۵۶ به عنوان چارچوب حقوقی نظام جدید تصویب گردید. در دهه‌های بعد، قانون اساسی مصر چندین بار مورد بازنگری قرار گرفت؛ از جمله اصلاحات دوره‌های ریاست‌جمهوری انور سادات و حسنی مبارک که به منظور تثبیت ساختار قدرت و تنظیم رابطه قوه مجریه و نهادهای دیگر انجام شد.

پس از تحولات سیاسی سال ۲۰۱۱ و سقوط دولت مبارک، قانون اساسی جدیدی در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسید که با تغییرات عمده در ساختار سیاسی همراه بود. با این حال، پس از برکناری محمد مرسی، این قانون مورد بازنگری قرار گرفت و نهایتاً قانون اساسی جدید جمهوری عربی مصر در سال ۲۰۱۴ تدوین و پس از همه‌پرسی عمومی، به تصویب و امضای رئیس‌جمهور موقت، عدلی منصور، رسید. قانون اساسی مصوب ۲۰۱۴ همچنان به عنوان چارچوب اصلی نظام حقوق اساسی جمهوری عربی مصر محسوب می‌شود. بر اساس این قانون، نظام سیاسی مصر از نظر شکلی دارای ویژگی‌های یک نظام نیمه‌ریاستی است؛ با این حال، گستره وسیع اختیارات رئیس‌جمهور در عمل موجب شده است توازن قدرت به نفع قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور تقویت شود. در این چارچوب، مجلس نمایندگان بیش از آنکه به عنوان نهادی مستقل در اعمال نظارت مؤثر عمل کند، عمدتاً در جایگاه نهادی برای تصویب و تأیید سیاست‌ها و لوایح پیشنهادی دولت و رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد. از منظر تحولات انتخاباتی نیز، سازوکارهای انتخاب رئیس‌جمهور در مصر از ابتدای تأسیس جمهوری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان تداوم بلندمدت قدرت برای رئیس‌جمهور فراهم باشد؛ به طوری که در دوره‌های پیشین، این الگو به تثبیت طولانی‌مدت قدرت در دست یک فرد منجر شد، چنان‌که حسنی مبارک نزدیک به سه دهه در مقام ریاست‌جمهوری باقی ماند.

افزون بر این، اصلاحات قانون اساسی سال ۲۰۱۹ با افزایش اختیارات قوه مجریه و به‌ویژه رئیس‌جمهور همراه بود و همچنین دوره ریاست‌جمهوری از چهار سال به شش سال افزایش یافت. این تغییرات در مجموع به تقویت تمرکز قدرت در ساختار



سیاسی انجامید و موقعیت عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور کنونی، را در رأس نظام سیاسی مصر بیش از پیش تثبیت کرده است.

۲. سیاست خارجی مصر

جمهوری عربی مصر با توجه به عقبه تاریخی و فرهنگی، موقعیت استراتژیک میان سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و کنترل کانال سوئز یکی از مهم‌ترین کشورهای عرب خاورمیانه و جهان اسلام است که نقش تاثیرگذاری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. سیاست خارجی مصر پس از استقلال نیز با درک چنین جایگاهی تدوین شده و روابط بین‌المللی این کشور با کشورهای منطقه و جهان را شکل داده است.

بر اساس گزارش وزارت امور خارجه جمهوری عربی مصر^۶، اصول کلی سیاست خارجی مصر شامل حفظ صلح و ثبات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، اتخاذ رویکردی متوازن در روابط خارجی، پایبندی به اصل احترام متقابل میان دولت‌ها و توجه به ابعاد اقتصادی در سیاست خارجی است. همچنین، سیاست خارجی مصر بر اولویت‌بخشی به حوزه جهان عرب، تقویت روابط با کشورهای آفریقایی و اسلامی و توسعه همکاری با کشورهای حوزه رود نیل به‌عنوان یکی از محورهای ژئوپلیتیکی حیاتی کشور تأکید دارد. در دوره ریاست‌جمهوری عبدالفتاح السیسی، سیاست خارجی مصر دستخوش یکی از مهم‌ترین بازآرایی‌های راهبردی خود از زمان دوره انور سادات شده است. در این چارچوب، الگوی وابستگی سنتی به حامیان خارجی به تدریج جای خود را به رویکردی نسبتاً مستقل، عمل‌گرایانه و مبتنی بر اولویت‌بندی منافع ملی داده است؛ رویکردی که در ادبیات سیاست خارجی مصر با عنوان مصر اول یا دکترین سیسی شناخته می‌شود (پنافورت و همکاران^۷، ۲۰۲۴). این دکترین نشان‌دهنده تغییر جهت سیاست خارجی مصر به سمت یک رویکرد واقع‌گرایانه و عمل‌محور است؛ رویکردی که در آن حفظ ثبات سیاسی داخلی، تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی و سیاست موازنه‌سازی در نظام بین‌الملل چندقطبی، نسبت به ملاحظات ایدئولوژیک و نقش‌های سنتی فراملی در سیاست منطقه‌ای عربی اولویت پیدا کرده است. با این حال، تلاش مصر برای تقویت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای همچنان تحت تأثیر تعارض میان اهداف بلندپروازانه ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های ساختاری و نیز میان گرایش به استقلال راهبردی و تداوم وابستگی‌های خارجی قرار دارد (ISPI^۷، ۲۰۲۰).

با تعمیق روند چندقطبی‌شدن نظام بین‌الملل که تحت تأثیر تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و بازگشت فعال قدرت‌های غیرعربی شکل گرفته است، قاهره سیاست خارجی خود را در راستای انطباق با این تحولات بازتنظیم کرده است. در این چارچوب، مصر به‌جای وابستگی یا همسویی انحصاری با یک بلوک قدرت، راهبرد تنوع‌بخشی به شرکای خارجی را در پیش گرفته است؛ به‌گونه‌ای که ضمن حفظ و تداوم روابط راهبردی و امنیتی سنتی با ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی، به‌طور هم‌زمان تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک خود را با چین، روسیه و همچنین بلوک‌های نوظهور نظیر بریکس گسترش داده است (چیزا و لوتمار، ۲۰۲۵).

^۵ جهت مطالعه [کلیک](#) نمایید.

^۶ Pennaforte and et al

^۷ Istituto per gli Studi di Politica Internazionale



۲-۱. مروری بر روند تجارت مصر

اقتصاد مصر طی دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. بر اساس گزارش پلتفرم منطقه‌ای داده، آمار و تحلیل‌های توسعه‌ای جهان عرب^۸، سرانه تولید ناخالص داخلی طی سال‌های اخیر از ۱،۴۳۳ دلار به ۳،۲۸۷ دلار رسیده و رشدی بیش از دو برابر را تجربه کرده است. این رشد در شرایطی حاصل شده که اقتصاد مصر از ساختاری نسبتاً متنوع برخوردار است و بخش‌های خدمات، صنعت، کشاورزی، گردشگری، انرژی و درآمدهای کانال سوئز همگی در تولید و رشد اقتصادی آن نقش دارند. در همین راستا، سیاست تجاری مصر در راستای چشم‌انداز ۲۰۳۰ استراتژی توسعه پایدار و در قالب استراتژی توسعه صنعتی تصویر شده است. هدف این برنامه تبدیل مصر به یک اقتصاد صنعتی پیشرو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و یک کانون صادراتی برای محصولات صنعتی با فناوری میانه است.

مصر عضو چندین موافقت‌نامه تجارت ترجیحی است که نقش فزاینده‌ای در سیاست خارجی از کشور ایفا می‌کنند. موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با اتحادیه اروپا، اتحادیه تجاری آزاد اروپایی^۹، موافقت‌نامه تجارت ترجیحی با ترکیه و مرکوسور^{۱۰} در زمره مهمترین موافقت‌نامه‌ها هستند. این کشور همچنین عضو اتحادیه تجارت آزاد پان‌عربی^{۱۱}، بازار مشترک آفریقای جنوبی و شرقی^{۱۲} و موافقت‌نامه اغادیر^{۱۳} است. مصر همچنین از طرح نظام تعرفه‌های عمومی^{۱۴} در تجارت با چندین کشور بهره می‌برد. در مقابل، مصر به کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی^{۱۵} دسترسی به بازار خود را داده است و همچنین عضو موافقت‌نامه نظام تجارت ترجیحی سازمان همکاری‌های اسلامی^{۱۶} است.

۲-۱-۱. تجارت مصر با جهان

بر اساس آمار و اطلاعات مرکز تجارت جهانی^{۱۷}، مصر در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۰۱ میلیارد دلار واردات کالا (رشد ۶.۷ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴) و حدود ۵۱.۴ میلیارد دلار صادرات (رشد ۱۴.۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴) داشته است. در سال ۲۰۲۴ این ارقام به ترتیب ۹۴.۷ میلیارد دلار و ۴۴.۸ میلیارد دلار بوده است. روند صادرات و واردات و تراز تجاری کالایی مصر طی بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. نکته قابل توجه در خصوص تجارت مصر این است که طی بازه زمانی مورد بررسی تراز تجاری این کشور همواره منفی بوده و بیشترین کسری تجاری مربوط به سال ۲۰۱۸ است.

⁸ Arab Development Portal (ADP)

⁹ European Free Trade Association (EFTA)

¹⁰ Mercosur

¹¹ Pan-Arab Free Trade Area

¹² Common Market for Eastern and Southern Africa

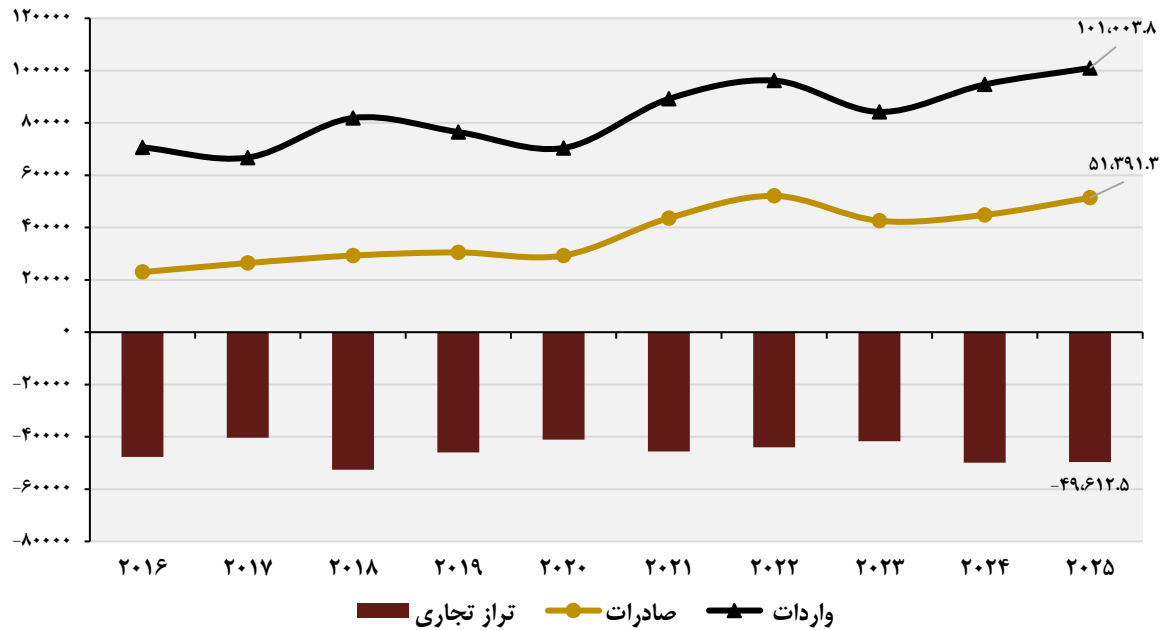
¹³ Agadir Agreement

¹⁴ GSP

¹⁵ LDCs (Least Developed Countries)

¹⁶ Trade Preferential System of the Organization of Islamic Cooperation

¹⁷ International Trade Centre



نمودار ۱. تجارت کالایی مصر طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ - میلیون دلار
منبع: مرکز تجارت جهانی (ITC)

۲-۱-۲. عمده شرکای تجاری مصر

بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌المللی در سال ۲۰۲۵، مصر پنجاه و ششمین کشور جهان از نظر صادرات (به لحاظ ارزش) است. در سال مزبور کشورهای امارات متحده عربی، ایتالیا، ترکیه و عربستان سعودی مهم‌ترین مقاصد صادراتی مصر بوده‌اند. بر اساس جدول ۲، بزرگترین شریک تجاری مصر در بخش صادرات امارات متحده عربی است به‌طوری‌که ۱۳.۷ درصد از ارزش صادرات کالایی مصر در سال ۲۰۲۵ به این کشور اختصاص دارد. ایتالیا و ترکیه رتبه‌های دوم و سوم بزرگترین مقاصد صادراتی مصر را به خود اختصاص داده‌اند. صادرات مصر به ایتالیا حدود ۷.۹ درصد و به ترکیه ۶.۴ درصد از کل ارزش صادرات مصر را تشکیل می‌دهد. حجم صادرات مصر به ۱۰ مقصد عمده صادراتی این کشور در حدود ۲۷.۶ میلیارد دلار بوده که سهم ۵۲.۷ درصدی از کل صادرات مصر را به خود اختصاص داده‌اند. ایران در میان مقاصد صادراتی مصر در سال ۲۰۲۵ در رتبه ۱۳۹ قرار گرفته است.



جدول ۲. مقاصد عمده صادراتی مصر در سال ۲۰۲۵

ردیف	مقاصد صادراتی	ارزش صادرات ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	سهم از کل صادرات (درصد)
۱	امارات متحده عربی	۷	۱۳.۷
۲	ایتالیا	۴	۷.۹
۳	ترکیه	۳.۳	۶.۴
۴	عربستان سعودی	۳	۵.۸
۵	ایالات متحده آمریکا	۲.۷	۵.۳
۶	سوئیس	۱.۸	۳.۴
۷	انگلستان	۱.۶	۳.۱
۸	لیبی	۱.۵	۲.۹
۹	اسپانیا	۲.۸	۱.۴
۱۰	آلمان	۱.۲	۲.۴
مجموع کشورهای فوق		۲۷.۶	۵۳.۷
مجموع صادرات مصر		۵۱.۴	۱۰۰

منبع: ITC

در سال ۲۰۲۵، بیشترین واردات مصر از کشور چین و حدود ۱۸.۸ میلیارد دلار است. این میزان سهم ۱۸.۶ درصد از کل ارزش واردات مصر از جهان را شامل می‌شود. ایالات متحده آمریکا با حدود ۱۲.۸ میلیارد دلار و عربستان سعودی با حدود ۶۹.۵ میلیارد دلار به ترتیب پس از کشور چین در جایگاه دوم و سوم بزرگترین صادرکنندگان به مصر قرار دارند. سهم آمریکا از کل واردات به مصر ۱۲.۶ درصد و سهم عربستان ۹.۴ درصد است. واردات مصر از ۱۰ مبدا وارداتی حدود ۶۷.۷ میلیارد دلار بود که سهمی بالغ بر ۶۷ درصد از نیاز وارداتی این کشور را تامین می‌کند. در جدول ۳، عمده مبادی وارداتی مصر و سهم از کل واردات این کشور ارائه شده است. شایان ذکر است، ایران در میان کشورهای صادرکننده کالا به مصر جایگاه ۱۲۰ را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳. مبادی عمده وارداتی مصر در سال ۲۰۲۵

ردیف	مبادی وارداتی	ارزش واردات ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	سهم از کل واردات (درصد)
۱	چین	۱۸.۸	۱۸.۶
۲	آمریکا	۱۲.۸	۱۲.۶
۳	عربستان سعودی	۹.۵	۹.۴
۴	روسیه	۵.۲	۵.۱
۵	آلمان	۴.۴	۴.۳
۶	برزیل	۴.۳	۴.۳
۷	ترکیه	۳.۷	۳.۶
۸	هند	۳.۶	۳.۶
۹	ایتالیا	۲.۹	۲.۹
۱۰	امارات متحده عربی	۲.۶	۲.۶
مجموع کشورهای فوق		۶۷.۷	۶۷
مجموع واردات مصر		۱۰۱	۱۰۰

منبع: ITC



۲-۱-۳. عمده گروه کالاهای صادراتی مصر در سال ۲۰۲۵

وفق جدول ۴، در سال ۲۰۲۵، بخش عمده‌ای از صادرات مصر از حیث ارزش مربوط به فصل ۷۱ به شرح؛ مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گرانبها یا نیمه گرانبها، فلزات گرانبها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانبها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه با سهم حدود ۱۴.۸ درصد از ارزش کل صادرات است. پس از فصل مزبور، فصل ۲۷ به شرح؛ سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ موم‌های معدنی و فصل ۸۵ به شرح؛ ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، دستگاه‌های ضبط و پخش صورت و تصویر تلویزیونی، اجزا و قطعات و متفرعات این دستگاه‌ها به ترتیب با سهم حدود ۹.۱ درصد و ۷.۴ درصد از ارزش کل صادرات این کشور در رتبه‌های بعدی عمده گروه‌های صادراتی مصر قرار دارند. شایان ذکر است، ۱۰ گروه کالایی نخست صادراتی مصر حدود ۶۲.۷ درصد از ارزش کل صادرات این کشور را در سال ۲۰۲۴ تشکیل می‌دهند.

جدول ۴. عمده گروه کالاهای صادراتی مصر در سال ۲۰۲۵

فصل	شرح	ارزش صادرات (میلیارد دلار)	سهم از کل صادرات (درصد)
۷۱	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گرانبها یا نیمه گرانبها، فلزات گرانبها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانبها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه	۷.۶	۱۴.۸
۲۷	سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ موم‌های معدنی	۵	۹.۸
۸۵	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، دستگاه‌های ضبط و پخش صورت و تصویر تلویزیونی، اجزا و قطعات و متفرعات این دستگاه‌ها	۳.۵	۶.۷
۸	میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند	۳	۵.۸
۳۹	مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد	۲.۶	۵
۶۲	لباس و متفرعات لباس، کشباف یا غیرقلاباف	۲.۳	۴.۵
۳۱	کودها	۲.۲	۴.۴
۷	سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی	۲.۲	۴.۳
۷۲	چدن، آهن و فولاد	۱.۸	۳.۵
۲۵	نمک؛ گوگرد؛ خاک و سنگ؛ گچ، آهک و سیمان	۱.۶	۳.۱

منبع: ITC



۲-۱-۴. عمده گروه کالاهای وارداتی مصر در سال ۲۰۲۵

بر اساس جدول ۵، فصل ۲۷ به شرح: سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ موم‌های معدنی با داشتن سهم حدود ۲۱.۴ درصد از ارزش کل واردات این کشور عمده‌ترین گروه کالایی وارداتی مصر محسوب می‌شود. پس از این فصل، فصول ۸۴ و ۱۰ به ترتیب با داشتن سهمی معادل ۸ درصد و ۶.۷ درصد در رتبه‌های بعدی عمده گروه کالاهای وارداتی این کشور در سال ۲۰۲۵ قرار می‌گیرند. ۱۰ گروه کالایی نخست وارداتی مصر حدود ۶۴.۷ درصد از ارزش کل واردات این کشور را در سال ۲۰۲۵ تشکیل می‌دهند.

جدول ۵. عمده گروه کالاهای وارداتی مصر در سال ۲۰۲۵

فصل	شرح	ارزش واردات (میلیارد دلار)	سهم از کل واردات (درصد)
۲۷	سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ موم‌های معدنی	۲۱.۷	۲۱.۴
۸۴	راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار و آبگرم، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها	۸.۱	۸
۱۰	غلات	۶.۸	۶.۷
۸۵	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها، دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، دستگاه‌های ضبط و پخش صورت و تصویر تلویزیونی، اجزا و قطعات و متفرعات این دستگاه‌ها	۶.۶	۶.۶
۸۷	وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط آهن یا تراموا و اجزا و قطعات و متفرعات آن‌ها	۵.۹	۵.۸
۷۲	چدن، آهن و فولاد	۴.۳	۴.۲
۳۹	مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	۴.۳	۴.۲
۳۰	محصولات دارویی	۲.۹	۲.۹
۱۲	دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه و بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه	۲.۵	۲.۵
۷۳	مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد	۲.۴	۲.۴

۲-۳. روابط مصر و آمریکا

باتوجه به جایگاه سیاسی مصر در شمال آفریقا و خاورمیانه این کشور کانون توجه سیاست خارجی آمریکا را به خود اختصاص داده است. با تغییر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی مصر در دوره ریاست‌جمهوری انور سادات، این کشور از مدار همسویی با بلوک شرق خارج شده و به تدریج به سمت همگرایی راهبردی با غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، حرکت کرد. امضای معاهده صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل با میانجی‌گری آمریکا، نقطه عطفی در نهادینه‌سازی روابط دوجانبه قاهره و واشنگتن محسوب می‌شود.

مصر و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۲ با امضای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری، چارچوب حقوقی لازم برای تسهیل، حمایت و گسترش جریان سرمایه‌گذاری میان دو کشور را ایجاد کردند. در ادامه، دو کشور در سال ۱۹۹۹ توافق‌نامه چارچوب



تجارت و سرمایه‌گذاری^{۱۸} را منعقد نمودند که هدف آن توسعه روابط تجاری دوجانبه و ایجاد سازوکاری برای مدیریت و حل و فصل اختلافات اقتصادی بود. این توافق همچنین به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی امکان انعقاد توافق تجارت آزاد میان دو کشور تلقی می‌شود. در همین چارچوب، شرکت‌های آمریکایی در طیف گسترده‌ای از بخش‌های اقتصادی مصر از جمله نفت و گاز، بهداشت و درمان، حمل و نقل، خدمات مالی، صنایع تولیدی، ساخت و ساز، مخابرات و فناوری اطلاعات و همچنین صنعت گردشگری و هتلداری حضور فعال دارند (اداره تجارت بین‌الملل آمریکا^{۱۹}، ۲۰۲۵).

بر اساس گزارش اداره تجارت بین‌الملل آمریکا، ایالات متحده آمریکا با سرمایه‌گذاری حدود ۳.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴، در زمره سه سرمایه‌گذار خارجی اصلی در اقتصاد مصر قرار دارد. در مجموع، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در مصر نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود که بخش عمده آن، معادل حدود ۲۱ میلیارد دلار، در حوزه نفت و گاز متمرکز است. به طور کلی نیز نزدیک به ۷۰ درصد از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مصر به بخش انرژی به‌ویژه نفت و گاز اختصاص دارد. در این چارچوب، مصر برای چهارمین سال متوالی به عنوان نخستین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قاره آفریقا و دومین مقصد مهم در منطقه خاورمیانه شناخته شده است.

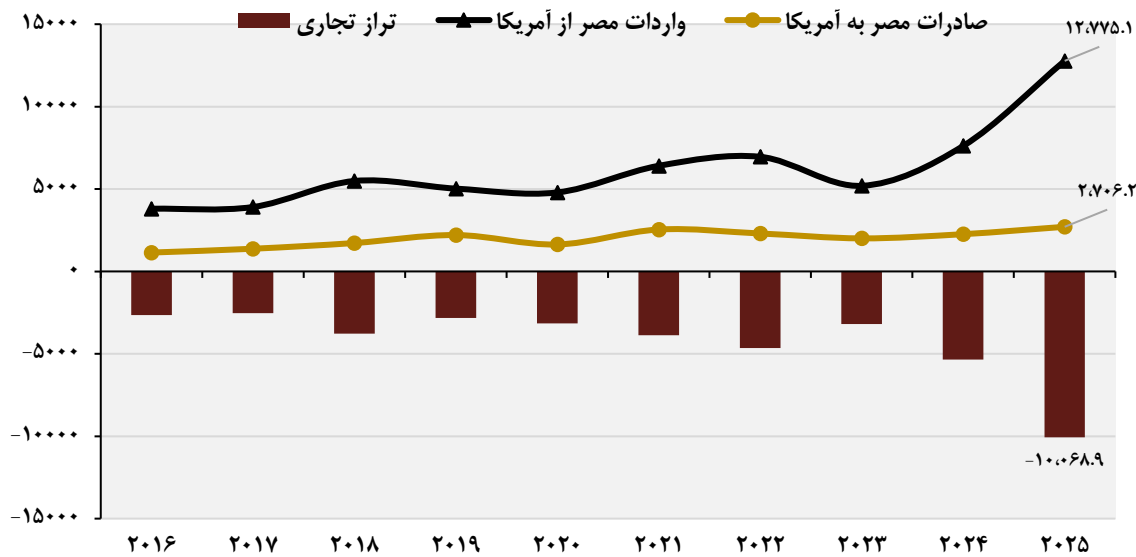
مصر برای آمریکا دارای چهار منفعت عمده است و دلیل اهمیت این کشور برای آمریکا نیز در همین چهار منفعت قرار دارد که بدین شرح است: ۱. نقش مصر به عنوان رهبر جهان عرب؛ ۲. نقش مصر به عنوان یک صدا همسو با غرب در جهان عرب؛ ۳. حفظ صلح با اسرائیل و ۴. همکاری‌های نظامی گسترده دوجانبه.

می‌توان بیان کرد که ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، از طریق اهرم‌های نفوذ خود به‌ویژه کمک‌های اقتصادی و نظامی همواره بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی مصر تأثیرگذار بوده است. در این چارچوب، واشنگتن از قاهره انتظار دارد در راستای مهار نفوذ منطقه‌ای ایران و جلوگیری از گسترش حضور و نفوذ نظامی آن در خاورمیانه مواضعی همسو اتخاذ کند. از این منظر، روابط مصر و ایالات متحده در برخی مقاطع بر مناسبات مصر و ایران نیز اثرگذار بوده و آن را تحت تأثیر قرار داده است.

نمودار ۲ روند مبادلات تجاری میان مصر و ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی مرکز تجارت جهانی، ارزش واردات مصر از آمریکا در سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۲.۸ میلیارد دلار و ارزش صادرات این کشور به بازار آمریکا به حدود ۲.۷ میلیارد دلار رسیده است. در همین سال، ایالات متحده آمریکا حدود ۱۳ درصد از کل واردات مصر را تأمین کرده که بیانگر جایگاه قابل‌توجه این کشور در ساختار تجاری مصر است. بررسی روند تجارت دوجانبه نیز نشان می‌دهد که تراز تجاری مصر در برابر آمریکا در تمام سال‌های مورد بررسی منفی بوده و بیشترین کسری تجاری در سال ۲۰۲۵ ثبت شده است. این وضعیت حاکی از شکاف فزاینده میان واردات و صادرات مصر در تجارت با آمریکا و بیانگر میزان بالای وابستگی این کشور به کالاهای و محصولات آمریکایی است.

¹⁸ Trade and Investment Framework Agreement (TIFA)

¹⁹ International Trade Administration (ITA)



نمودار ۲. تجارت کالایی مصر با آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ - میلیون دلار
منبع: مرکز تجارت جهانی (ITC)

بررسی ترکیب واردات مصر از ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که بخش عمده این واردات در چهار گروه کالایی متمرکز بوده است. مهم‌ترین اقلام وارداتی شامل فصل ۲۷ (ساخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ موم‌های معدنی)، فصل ۱۲ (دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه و بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه و نواله)، فصل ۸۸ (وسیله نقلیه هوایی، فضایی و اجزا و قطعات آن‌ها) و فصل ۸۴ (راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار و آبگرم، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها) بوده است. این چهار گروه کالایی در مجموع حدود ۶۱.۲ درصد از کل واردات مصر از آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند.

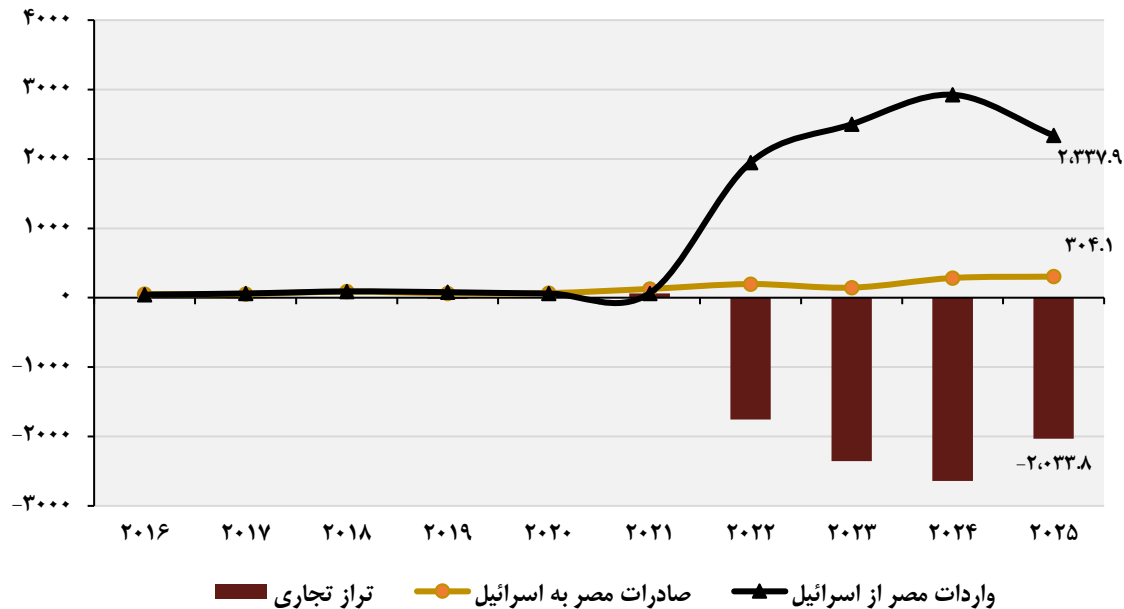
۲-۴. روابط مصر و اسرائیل

روابط دو کشور از زمان برپایی دولت اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی تا زمان سقوط حسنی مبارک چند دوره را طی کرده است. از سال تأسیس دولت اسرائیل تا سال ۱۹۷۷ میلادی مناسبات دو کشور، خصمانه بود و جنگ‌های متعددی میان دو طرف روی داد. با تغییر رویکرد سیاست خارجی مصر از شرق به غرب، روابط دو کشور نیز به تدریج متحول شد. سفر انورالسادات به اسرائیل در سال ۱۹۷۷ و امضای معاهده مشهور به کمپ دیوید در سال ۱۹۸۷ میان دو طرف در واقع به معنای به رسمیت شناختن اسرائیل توسط مصر بوده و روابط رسمی را میان آنان برقرار کرد. از آن پس علاوه بر روابط سیاسی، روابط اقتصادی دو کشور بر مبنای معاهده مزبور نیز شکل گرفت و البته در فضایی آکنده از بدبینی و احساس تهدید ادامه یافت. سال ۲۰۰۶ میلادی آغاز مرحله جدیدی در روابط دو کشور بود؛ در این مرحله که از آن به مرحله



همکاری و همبستگی در روابط دو کشور نام برده می‌شود، حوزه همکاری‌های راهبردی مصر و اسرائیل افزایش یافت که تا فروپاشی حکومت حسنی مبارک نیز ادامه داشت.

با وجود آنکه روابط دو کشور پس از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ وارد دوره‌ای از سردی و ابهام نسبت به آینده شد، این مناسبات هیچ‌گاه به صورت رسمی قطع نگردید. در ادامه و پس از عبور از مرحله اولیه تنش‌های سیاسی و بازگشت نسبی ثبات داخلی، روابط دوجانبه به تدریج به سطحی از عادی‌سازی و تعاملات منظم بازگشت.



نمودار ۳. تجارت کالایی مصر با اسرائیل طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ - میلیون دلار
منبع: مرکز تجارت جهانی (ITC)

نمودار ۳ روند مبادلات تجاری میان مصر و اسرائیل را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی مرکز تجارت جهانی، ارزش واردات مصر از اسرائیل در سال ۲۰۲۵ به حدود ۲.۳ میلیارد دلار و ارزش صادرات این کشور به بازار اسرائیل به حدود ۳۰۴.۱ میلیون دلار رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که کشور اسرائیل جایگاه محدودی در ساختار تأمین واردات مصر دارد. از این رو، وابستگی تجاری مصر به اسرائیل در مقایسه با شرکای اصلی تجاری این کشور همچنان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. بررسی روند تجارت دوجانبه نیز نشان می‌دهد که تراز تجاری مصر در برابر اسرائیل طی سال‌های اخیر منفی بوده و بیشترین کسری تجاری در سال ۲۰۲۴ ثبت شده است.

به گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، دو کشور به دنبال راه‌هایی برای افزایش ظرفیت صادرات تحت پروتکل منطقه صنعتی واجد شرایط^{۲۰} هستند. این برنامه که توسط ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد، به محصولات مشترک مصر و

²⁰ Qualified Industrial Zones

طبق داده‌های منتشرشده از سوی اتاق بازرگانی آمریکا در مصر، تا سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۲۰۰ شرکت مصری در چارچوب QIZ فعالیت داشته‌اند و حدود نیمی از صادرات مصر به آمریکا از طریق این سازوکار انجام شده است.



اسرائیل اجازه ورود بدون عوارض گمرکی به ایالات متحده را می‌دهد. این توافقات صورت گرفته باعث شده تا روابط و ثبات منطقه بین اسرائیل و مصر بیشتر گرم شود و پیشرفت‌هایی را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند.

ترکیب واردات مصر از اسرائیل به شدت در محصولات فصل ۲۷ متمرکز است، به گونه‌ای که حدود ۹۷ درصد از کل واردات مصر از اسرائیل را سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و فرآورده‌های مرتبط تشکیل می‌دهند. در این میان، برخورداری ایران از ذخایر عظیم نفت و گاز و مزیت نسبی در تولید و صادرات محصولات انرژی محور، این امکان را فراهم می‌کند که در صورت بهبود روابط سیاسی و رفع محدودیت‌های بین‌المللی، بخشی از نیازهای مصر در این حوزه از طریق صادرات ایران تأمین شود و زمینه برای جایگزینی یا رقابت با تأمین‌کنندگان فعلی، از جمله اسرائیل، فراهم آید.

عمده کالاهای صادراتی مصر به اسرائیل هم مربوط به فصل ۲۵ (نمک، گوگرد؛ خاک و سنگ؛ گچ، اهک و سیمان)، فصل ۲۸ (محصولات شیمیایی غیرآلی؛ ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گرانبها، عناصر رادیواکتیو، فلزات خاک‌های کمیاب و ایزوتوپها) و فصل ۸۵ (ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها) بوده است.

۳. روابط دوجانبه ایران و مصر

ایران و مصر سال‌ها روابط سیاسی و تجاری بسیار محدودی داشته‌اند. اگرچه تاریخ روابط ایران و مصر به سال ۱۹۲۲، تنها چند روز پس از استقلال مصر باز می‌گردد، این روابط تنها در دوران پهلوی دوم اهمیت یافت و از آن مقطع نیز همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. هرچند از زمان سرنگونی نظام سلطنتی مصر با کودتای نجیب-ناصر علیه ملک فواد در سال ۱۹۵۳ روابط دو کشور با تنش همراه بود، تنها پس از نطق شدیدالحن جمال عبدالناصر علیه سیاست منطقه‌ای و اخراج سفیر ایران از قاهره بود که روابط دو طرف به کلی قطع شد. پس از وقفه‌ای ۱۰ ساله در زمان ریاست جمهوری انور سادات روابط ایران و مصر از سر گرفته شد و به بالاترین سطح ارتقا یافت؛ به طوری که گزارش‌هایی از کمک‌های ایران به مصر در زمان جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳ وجود دارد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ در پی میزبانی مصر از محمدرضا پهلوی روابط دو کشور بار دیگر قطع شد؛ صلح مصر و اسرائیل، حمایت سیاسی و نظامی مصر از عراق در جنگ با ایران و در نهایت حمایت ایران از اقدام خالد اسلامبولی در ترور سادات، روابط دو کشور را به جایی رساند که تلاش‌ها برای احیای روابط بی نتیجه ماند.

با روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی، روابط دو کشور همچنان سرد باقی ماند؛ با این حال در سال ۲۰۲۲، حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه فقید ایران در حاشیه نشست بغداد در اردن، با عبدالفتاح السیسی دیدار کرد و دو طرف این اقدام را مثبت توصیف کردند. از طرفی، با روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان، ایران تلاش زیادی کرده است تا روابط تهران و قاهره بهبود یابد و به سمت عادی‌سازی پیش برود. مصر نیز در یک سال اخیر تلاش‌هایی به منظور بهبود وضعیت حساس و متشنج منطقه انجام داده، در برنامه هسته‌ای ایران نقش میانجی را بازی کرده و گام‌هایی برای بهبود روابط ایران و آژانس و حل مسئله هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی برداشته است.



در جنگ رمضان، کشور مصر در واکنش به جنگ ایران، به طور فعال از دیپلماسی و میانجی‌گری بهره گرفته است. هدف این نه رقابت با پاکستان برای ایفای نقش میانجی اصلی، بلکه تحقق هدف محوری مصر، پایان دادن به جنگ بوده است.

به گزارش چتم‌هاوس^{۲۱} تلاش‌های دیپلماتیک مصر برای مهار و پایان دادن به جنگ را می‌توان در چارچوب راهبردی بلندمدت برای مدیریت مخاطرات امنیتی و اقتصادی ناشی از بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای تحلیل کرد. در این چارچوب، قاهره چند هدف کلیدی را دنبال می‌کند. نخست، حفظ امنیت خطوط کشتیرانی و تضمین آزادی عبور و مرور دریایی در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب که برای منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی مصر اهمیت حیاتی دارد. دوم، جلوگیری از برهم خوردن موازنه قدرت منطقه‌ای به سود اسرائیل و محدود کردن روند گسترش نفوذ این بازیگر در محیط پیرامونی مصر. سوم، جلب توجه ایالات متحده آمریکا به بحران‌هایی که از نگاه قاهره تهدیدات فوری‌تر و مستقیم‌تری برای امنیت ملی مصر محسوب می‌شوند؛ از جمله جنگ سودان، وضعیت غزه و مناقشه مربوط به سد رنسانس اتیوپی. چهارم، حفظ جریان حمایت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی شرکای غربی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در شرایطی که اقتصاد مصر تحت فشار افزایش هزینه‌های انرژی، کاهش ارزش پول ملی و خروج سرمایه‌های خارجی قرار دارد. با وجود این، مقامات مصری به‌خوبی آگاه‌اند که حتی در صورت پایان جنگ و کاهش تنش‌های جاری، بسیاری از چالش‌های راهبردی این کشور از میان نخواهد رفت. اختلافات با اتیوپی بر سر منابع آب نیل، بی‌ثباتی در همسایگی جنوبی و غربی مصر و نیز تحولات موازنه قدرت در خاورمیانه، همچنان از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی قاهره باقی خواهند ماند.

در این میان، با توجه به شرایط موجود و محدود شدن برخی مسیرهای تجاری ایران با کشورهایی مانند امارات به دلیل تنش‌های منطقه‌ای، توسعه و تقویت روابط اقتصادی و سیاسی میان ایران و مصر می‌تواند در چارچوب منافع متقابل دو کشور ارزیابی شود و به تنوع‌بخشی شرکای راهبردی هر دو طرف کمک کند.

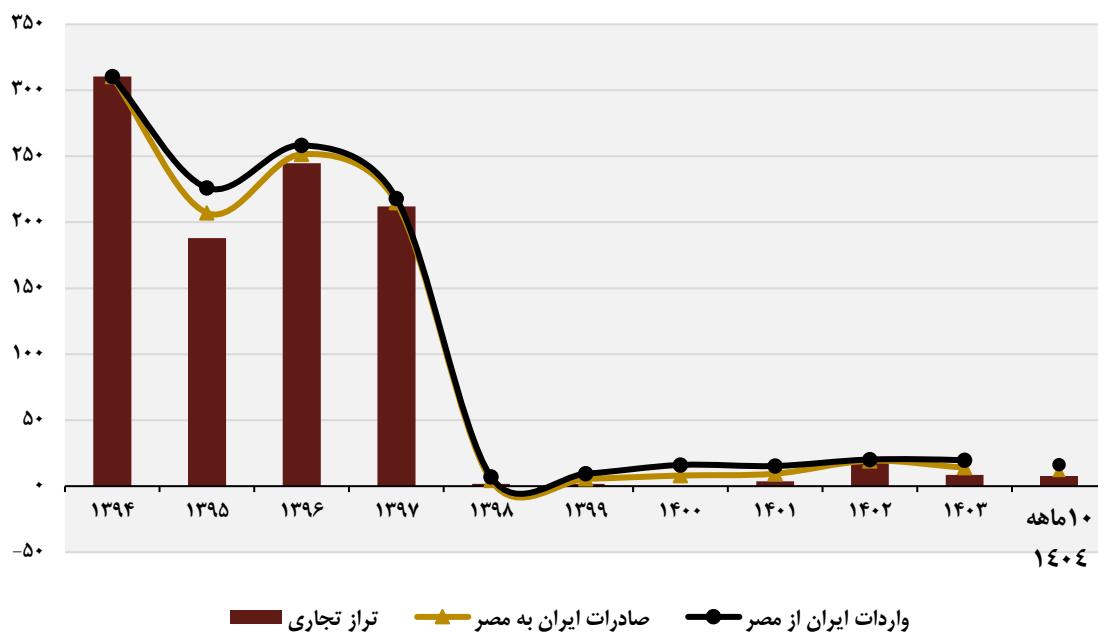
۳-۱. روند تجارت ایران و مصر (بدون احتساب نفت خام) بر اساس داده‌های گمرک

در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴، کشور مصر با سهم حدود ۰.۰۳ درصد از کل صادرات ایران پنجاه و نهمین مقصد صادراتی ایران بوده است. همچنین در این سال کشور مزبور با سهمی حدود ۰.۰۱ درصد از کل ارزش واردات، هفتاد و یکمین کشور طرف معامله واردات ایران بوده است. آنچه از بررسی روابط تجاری ایران و مصر روشن است سهم محدود ایران از بازار مصر است. با وجود آنکه روابط تجاری ایران و مصر بیش از شش دهه، با نوسانات و فراز و فرودهای قابل توجهی مواجه بوده و احیای این مناسبات نیازمند زمان و فرایندی تدریجی است. با این حال می‌توان رویکرد و اداره کنونی مقامات عالی دو کشور را به عنوان یک فرصت راهبردی ارزیابی کرد. در این چارچوب رشد تجارت دو جانبه طی ده ماه اخیر می‌تواند به منزله مقدمه‌ای برای گسترش و تعمیق همکاری‌های اقتصادی در آینده تلقی شود؛ امید است با رفع موانع سیاسی و تسهیل‌گری‌های تجاری، سهم کنونی که کمتر از نیم درصد از ظرفیت بازار هدف را شامل می‌شود به سطح بالاتری ارتقا یابد. نمودار ۴، روند ارزش تجارت کالایی ایران با مصر طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد.

²¹ Chatham House



بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۴۰۳ ارزش صادرات غیرنفتی ایران به مصر با کاهش ۲۶٫۶ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۲ به ۱۴٫۲ میلیون دلار رسید. در مقابل، ارزش واردات ایران از مصر در همین سال با رشدی حدود شش برابری نسبت به سال قبل، به حدود ۵۵ میلیون دلار افزایش یافت. بررسی روند تجارت دوجانبه ایران و مصر طی دوره ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صادرات ایران به این کشور در مجموع از روندی نزولی برخوردار بوده است. در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، همزمان با اجرای برجام، ارزش صادرات ایران به مصر در سطحی به مراتب بالاتر از سال‌های بعد قرار داشت. با این حال، پس از تضعیف و لغو عملی برجام و تشدید محدودیت‌های تجاری و مالی، صادرات ایران به بازار مصر با افت قابل توجهی مواجه شد. در مقابل، واردات ایران از مصر طی دوره مورد بررسی نوسانات محدودی را تجربه کرده و از ثبات نسبی نسبت به صادرات برخوردار بوده است. همچنین، تراز تجاری ایران و مصر در تمامی سال‌های مورد بررسی مثبت بوده است که بیانگر برتری ارزش صادرات ایران به مصر نسبت به ارزش واردات از این کشور و حفظ مازاد تجاری به نفع ایران در روابط دوجانبه است.



نمودار ۴. تجارت کالایی ایران با مصر از حیث ارزش طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ - میلیون دلار
منبع: گمرک

۳-۲. صادرات ایران به مصر به تفکیک گروه کالایی در ده ماهه ۱۴۰۴

در جدول ۶ پنج کالای ایرانی با بیشترین ارزش صادراتی به مصر در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ ارائه شده است. بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی ایران به مصر را شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج با کد تعرفه ۷۲۰۶۱۰۰۰ و سهم حدود ۶۷٫۹ درصد از ارزش کل صادرات تشکیل می‌دهد. پس از این محصول، محصولات نیمه تمام از آهن یا فولاد غیر ممزوج با کد تعرفه

۷۲۰۷۱۱۹۰ و سهم ۲۶ درصد از ارزش کل صادرات عمده کالاهای صادراتی به مصر بوده است. دو کالای ذکر شده بیش از ۹۳ درصد از ارزش صادرات ایران به مصر را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده تنوع بسیار کم صادرات ایران به مصر است.

جدول ۶. پنج کالای عمده صادراتی ایران به مصر از حیث ارزش در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴

کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش (هزار دلار)	سهم از کل صادرات (درصد)
۷۲۰۶۱۰۰۰	شمش از آهن و فولاد غیر ممزوج که در جای دیگر ذکر نشده است	۷۹۸۴.۲	۶۷.۹
۷۲۰۷۱۱۹۰	محصولات نیمه تمام از آهن یا فولاد غیر ممزوج با سطح مقطع مربع یا مستطیل که اندازه پهنای آن کمتر از دو برابر ضخامت آن باشد با ضخامت بیش از ۲۰۰ میلی متر	۳۰۵۹.۲	۲۶.۰
۳۸۲۳۱۹۲۰	کیت آزمایشگاهی با کاربرد پزشکی	۲۱۷.۱	۱.۸
۲۵۱۵۲۰۲۰	سنگ مرمریت برای تراش یا ساختمان که وزن مخصوص ظاهری آن ها مساوی ۵/۲ یا بیشتر باشد.	۱۳۶.۰	۱.۲
۸۷۰۸۷۰۳۹	سایر چرخ‌های جاده‌ای و قطعات و ملحقات مربوط به آن	۱۳۲.۴	۱.۱

منبع: گمرک

۳-۳. واردات ایران به مصر به تفکیک گروه کالایی در ده ماهه ۱۴۰۴

مطابق با جدول ۷، پنج کالای عمده وارداتی ایران از مصر در ده ماهه ۱۴۰۴، به تفکیک ک تعرفه، شرح تعرفه و ارزش دلاری ارائه شده است. بر اساس جدول سنگ منگنز و کنسانتره آن با کد تعرفه ۲۶۰۲۰۰۰۰ و سهم حدود ۸۲.۳ درصد از ارزش کل واردات ایران از مصر و لوازم مصرفی آنژیوگرافی و آنژیوپلاستی با کد تعرفه ۹۱۸۳۹۲۵ و سهم حدود ۱۰.۷ درصد از ارزش کل واردات ایران از مصر، عمده کالاهای وارداتی بوده است. دو کالای ذکر شده حدود ۹۳ درصد از کل ارزش واردات ایران از مصر را تشکیل می‌دهد.

جدول ۷. پنج کالای عمده وارداتی ایران به مصر از حیث ارزش در ده ماهه ۱۴۰۴

کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش (هزار دلار)	سهم از کل واردات (درصد)
۲۶۰۲۰۰۰۰	سنگ منگنز و کنسانتره آن...	۳۶۴۸.۷	۸۲.۳
۹۰۱۸۳۹۲۵	لوازم مصرفی آنژیوگرافی و آنژیوپلاستی...	۴۷۶.۲	۱۰.۷
۸۴۵۰۱۱۰۰	ماشین های رختشویی تمام اتوماتیک با ظرفیت حداکثر ۱۰ کیلوگرم	۱۷۱	۳.۹
۸۲۱۲۱۰۰۰	خودتراش	۱۱۵.۴	۲.۶
۳۰۰۵۹۰۳۰	پانسمان های پیشرفته برای زخم های مزمن	۱۶	۰.۴

منبع: گمرک



۳-۴. پتانسیل صادراتی ایران به مصر

بررسی ظرفیت‌های تجاری نشان می‌دهد که مهم‌ترین کالاهای دارای پتانسیل صادراتی از جمهوری اسلامی ایران به مصر شامل سنگ آهن و کنسانتره‌های آگلومره‌شده (کلوخه‌شده)، پلی‌اتیلن با چگالی کمتر از ۰.۹۴ و پلی‌اتیلن با چگالی ۰.۹۴ و بالاتر در اشکال اولیه هستند. در میان این محصولات، سنگ آهن و کنسانتره‌های آگلومره‌شده بیشترین شکاف میان صادرات بالفعل و ظرفیت بالقوه صادراتی را از نظر ارزش داراست. برآوردها نشان می‌دهد که امکان افزایش صادرات این محصول تا حدود ۲.۳ میلیون دلار وجود دارد که معادل ۲۳ درصد از ظرفیت صادراتی تحقق‌نیافته میان ایران و مصر است.



۴. فرصت‌های تجاری بین ایران و مصر

انرژی

مصر تلاش کرده است با بهره‌گیری از ظرفیت تأسیسات مایع‌سازی گاز و موقعیت جغرافیایی خود، نقش محوری در تجارت و انتقال انرژی در شرق مدیترانه ایفا کند. واردات و فرآوری بخشی از گاز تولیدی اسرائیل و مشارکت فعال در سازوکارهای همکاری منطقه‌ای نظیر مجمع گاز شرق مدیترانه، بخشی از راهبرد قاهره برای تثبیت جایگاه خود به عنوان مرکز مبادلات انرژی منطقه است. این رویکرد همزمان با تلاش کشورهای اروپایی برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی و کاهش وابستگی به گاز روسیه، بر اهمیت راهبردی مصر در معادلات انرژی منطقه افزوده است.

در کنار منابع هیدروکربنی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز به یکی از محورهای اصلی سیاست انرژی مصر تبدیل شده است. این کشور در چارچوب برنامه‌های توسعه ملی، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در حوزه انرژی خورشیدی و بادی انجام داده و بر



اساس چشم‌انداز توسعه ۲۰۳۰، قصد دارد سهم انرژی‌های تجدیدپذیر را به ۴۲ درصد از ظرفیت تولید برق خود تا سال ۲۰۳۵ افزایش دهد. همچنین توسعه اتصال شبکه‌های برق با کشورهای همسایه نشان‌دهنده تلاش مصر برای ایفای نقش فعال‌تر در یکپارچگی بازار انرژی منطقه و تبدیل شدن به یکی از مراکز مبادلات برق در خاورمیانه و شمال آفریقا است. (کوهن و هلوا^{۲۲}، ۲۰۲۵). راهبرد یکپارچه و پایدار انرژی مصر تا افق ۲۰۴۰ (ISES)^{۲۳}، در کنار راهبرد ملی هیدروژن کم‌کربن که اخیراً تدوین و اعلام شده است، بیانگر جهت‌گیری راهبردی این کشور به سوی تنوع‌بخشی به ترکیب انرژی، تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر و تقویت جایگاه خود در زنجیره ارزش انرژی‌های نوین است. در همین چارچوب، مصر دستیابی به سهمی در حدود ۵ تا ۸ درصد از بازار جهانی هیدروژن سبز تا سال ۲۰۴۰ را به‌عنوان یکی از اهداف کلان خود تعریف کرده است (جزی‌زا و لوتمار، ۲۰۲۵).

با وجود این مزیت‌ها، تحقق هدف تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه‌ای در بستری از رقابت فزاینده میان بازیگران منطقه‌ای دنبال می‌شود. کشورهایی مانند اسرائیل، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عمان نیز در حال توسعه ظرفیت‌های خود در حوزه گاز طبیعی، انرژی‌های تجدیدپذیر و هیدروژن هستند. از این رو، سیاست انرژی مصر را باید بخشی از رقابت گسترده‌تر ژئواکونومیک در خاورمیانه و شرق مدیترانه دانست که در آن انرژی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش نفوذ سیاسی، اقتصادی و راهبردی کشورها تبدیل شده است.

در مجموع، ترکیب موقعیت جغرافیایی ممتاز، زیرساخت‌های پیشرفته انتقال و صادرات انرژی، ذخایر قابل توجه گاز طبیعی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین انرژی، ظرفیت‌های مهمی را برای تبدیل مصر به یکی از قطب‌های انرژی منطقه فراهم کرده است. شایان ذکر است که موفقیت این راهبرد در بلندمدت به میزان توانایی قاهره در مدیریت همزمان رقابت و همکاری‌های منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری و انطباق با تحولات ساختاری بازار جهانی انرژی وابسته خواهد بود. در همین راستا، توسعه روابط انرژی میان مصر و ایران نیز می‌تواند به‌عنوان یک محور مکمل در ارتقای هم‌افزایی‌های منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

منطقه‌ای و سیاسی

از سرگیری و احیای روابط دیپلماتیک میان تهران و قاهره را می‌توان در بستر تحولات اخیر نظام منطقه‌ای، به‌عنوان یکی از عوامل تسهیل‌کننده در گذار به نظم نوین خاورمیانه‌ای ارزیابی کرد. نظمی که در سال‌های اخیر با بازآرایی ائتلاف‌ها، کاهش تدریجی الگوهای تقابل مستقیم و گسترش روندهای تنش‌زدایی میان بازیگران کلیدی منطقه از جمله ایران و عربستان سعودی مشخص می‌شود. در این چارچوب، ورود مصر به مسیر عادی‌سازی روابط با ایران می‌تواند به تثبیت این روند و تقویت بنیان‌های یک نظم در حال شکل‌گیری در منطقه کمک کند. ایران و مصر هر دو از بازیگران دارای وزن تأثیرگذار در معادلات امنیتی، سیاسی و اقتصادی منطقه محسوب می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که کیفیت روابط دوجانبه آنان می‌تواند به‌طور مستقیم بر توازن قوای منطقه‌ای و حتی بر نحوه مداخله و جهت‌گیری قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قبال خاورمیانه اثرگذار باشد. در نتیجه، ارتقای روابط دوستانه و پایدار میان دو کشور، ظرفیت قابل توجهی برای بازتعریف موازنه قدرت در سطح منطقه‌ای و شکل‌دهی به الگوهای جدید همکاری چندجانبه فراهم می‌آورد.

²² Cohen and Helwa

²³ Integrated Sustainable Energy Strategy



شرایط نامناسب اقتصادی مصر

در مقطع کنونی، بخش قابل توجهی از سیاست گذاری دولت مصر معطوف به مدیریت چالش های پیچیده اقتصادی و بهبود شاخص های کلان اقتصادی است؛ وضعیتی که موجب شده قاهره نسبت به راهبردهای مبتنی بر گشایش در سیاست خارجی و تنوع بخشی به شرکای اقتصادی، رویکردی فعال تر اتخاذ کند. در این چارچوب، تعامل با جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت های اقتصادی متنوع، به ویژه در حوزه های گردشگری، خدمات و تبادلات منطقه ای می تواند به عنوان یکی از گزینه های مکمل در جهت تقویت بنیان های رشد اقتصادی مصر مورد توجه قرار گیرد. از منظر ایران نیز، بهبود روابط با مصر واجد اهمیت راهبردی است؛ به ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با محدودیت های ناشی از تحریم های بین المللی و نوسانات محیط ژئوپلیتیکی مواجه است. در چنین بستری، تنوع بخشی به روابط خارجی و گسترش تعامل با بازیگران مهم منطقه ای می تواند به تقویت تاب آوری اقتصادی و ارتقای امنیت منافع ملی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

فناوری

در سال های اخیر، مصر با تمرکز بر توسعه اقتصاد دیجیتال و دانش بنیان، سرمایه گذاری قابل توجهی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده است. این کشور با راه اندازی شهرهای فناوری مانند Smart Village و Knowledge City، گسترش زیرساخت فیبر نوری و افزایش دسترسی به اینترنت پرسرعت، تلاش کرده زیرساخت های دیجیتال خود را تقویت کند. در واقع تحول دیجیتال مصر در سال های اخیر با شتاب بیشتری ادامه یافته و این روند عمده تأثیر برنامه های دولتی در چارچوب استراتژی مصر دیجیتال و افزایش تقاضای کاربران برای خدمات آنلاین بوده است. تا اوایل سال ۲۰۲۵، نرخ نفوذ اینترنت در این کشور به ۸۱.۹ درصد رسیده و تعداد کاربران آنلاین به ۹۶.۳ میلیون نفر افزایش یافته است، در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۴ حدود ۷۲.۲ درصد بوده است. بخش فناوری و اطلاعات در مصر طی سال های اخیر یکی از سریع ترین بخش های در حال رشد اقتصادی بوده و سهم آن در تولید ناخالص داخلی به طور مستمر در حال افزایش است (اداره بازرگانی بین المللی آمریکا، ۲۰۲۵). وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصر (MCIT)^{۲۴} در حال توسعه شش پارک فناوری در شهرهای منیا، منوفیه، منصوره، سوهاج، قنا و اسوان است. هدف از ایجاد این مراکز، تقویت زیست بوم کارآفرینی و نوآوری در مناطق مختلف کشور است. این پارک ها شامل زیرساخت هایی نظیر آزمایشگاه های طراحی سخت افزار، مراکز رشد استارت آپی و نهادهای آموزشی بوده و به صورت یکپارچه بر آموزش و توسعه مهارت ها در حوزه هایی مانند هوش مصنوعی، علوم داده و امنیت سایبری تمرکز خواهند داشت. در چنین بستری، ظرفیت های مکمل میان ایران و مصر در حوزه فناوری می تواند به عنوان یکی از محورهای مهم همکاری دوجانبه مورد توجه قرار گیرد.

متغیرهای ژئوپلیتیکی

ایران و مصر در دو سوی خاورمیانه به عنوان دو بازیگر کلیدی منطقه ای، از ویژگی ها و کارکردهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی برخوردارند که آن ها را در برخی ابعاد به یکدیگر نزدیک می سازد. نقش راهبردی ایران در حوزه های خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، در کنار جایگاه تعیین کننده مصر در دریای سرخ، مدیترانه و شمال آفریقا، موجب شده است که هر دو کشور به عنوان قدرت های مؤثر در معادلات امنیتی منطقه ایفا نقش کنند؛ به گونه ای که دامنه نفوذ و عمق راهبردی آن ها فراتر از مرزهای ملی شان امتداد می یابد.

²⁴ Ministry of Communications and Information Technology (MCIT)



در این چارچوب، از دوره جمال عبدالناصر تاکنون، ملاحظات امنیتی قاهره همواره آن را به سمت تمرکز بر مشرق عربی سوق داده است؛ منطقه‌ای که شامل عراق، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و کشورهای حاشیه خلیج فارس است. مصر به‌خوبی آگاه است که خلیج فارس به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی نفوذ ایران، نقش مهمی در معادلات انرژی و امنیت منطقه‌ای دارد؛ از این رو تلاش کرده است با تنوع‌بخشی به روابط خارجی خود، حضور فعال‌تری در این حوزه داشته باشد.

از سوی دیگر، تسلط ایران و مصر بر دو گذرگاه راهبردی مهم جهان مثل تنگه هرمز و کانال سوئز اهمیت ژئوپلیتیکی روابط میان دو کشور را دوچندان می‌کند. در واقع، تداوم شکاف میان تهران و قاهره می‌تواند از کارآمدی ساختار ژئوپلیتیکی خاورمیانه بکاهد، در حالی که شکل‌گیری چارچوبی تعاملی میان آن‌ها ظرفیت تقویت ثبات منطقه‌ای را دارد.

بر این اساس، نزدیکی ایران و مصر را می‌توان یکی از الزامات نظم ژئوپلیتیکی در خاورمیانه دانست. در تقسیم‌بندی منطقه به شرق و غرب، ایران به‌عنوان قدرت غالب در شرق خاورمیانه، از عراق و خلیج فارس تا افغانستان و حوزه خزر نقش مهمی در تولید و انتقال انرژی و نیز معادلات امنیتی ایفا می‌کند. در مقابل، مصر به‌عنوان بازیگر محوری غرب خاورمیانه، می‌تواند به‌عنوان حلقه اتصال میان این حوزه و ساختارهای اقتصادی، انرژی و امنیتی شرق منطقه عمل کند؛ امری که در صورت تقویت روابط دوجانبه، به ارتقای همگرایی ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای منجر خواهد شد.

متغیرهای فرهنگی - تمدنی

ایران و مصر از دیرباز به‌عنوان دو تمدن تأثیرگذار و تاریخ‌ساز در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شناخته می‌شوند. بدون تردید، این دو کشور در تاریخ تمدن بشری جایگاهی برجسته به‌عنوان کانون‌های مهم فرهنگی داشته‌اند. شواهد تاریخی نیز نشان‌دهنده آغاز نخستین تماس‌های جدی میان دو تمدن بزرگ دنیای باستان، یعنی ایران و مصر، به ابتدای نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد و دوران هخامنشیان بازمی‌گردد. در دوره معاصر نیز هر دو کشور در تلاش برای بازتعریف و احیای نقش تمدنی و فرهنگی پیشین خود هستند؛ امری که می‌تواند به‌عنوان یکی از انگیزه‌های مهم برای گسترش همکاری‌های دوجانبه تلقی شود. افزون بر این، روابط مثبت میان ایران و مصر به‌عنوان دو بازیگر مهم در جهان اسلام همواره از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و ارتقای این روابط می‌تواند آثار مثبت گسترده‌ای برای منطقه، دو ملت و حوزه تمدن اسلامی به همراه داشته باشد.

بر این اساس، هرچند سطح اختلافات میان تهران و قاهره در مقطع کنونی تغییر چشمگیری نداشته است، اما تحول در فضای دیپلماتیک منطقه پس از بهبود روابط ایران و عربستان سعودی و شکل‌گیری روندهای جدید همکاری و بازآرایی امنیتی، زمینه را برای بازتعریف رویکرد مصر نسبت به تعاملات منطقه‌ای فراهم کرده است. در چنین شرایطی، قاهره تلاش دارد ضمن جلوگیری از عقب‌ماندگی نسبت به رقبای جایگاه خود را در نظم در حال تحول منطقه‌ای تثبیت کرده و سهمی متناسب با ظرفیت‌های تاریخی و ژئوپلیتیکی خود در تحولات جدید ایفا کند؛ سهمی که هم بازتاب‌دهنده نقش سنتی مصر در جهان اسلام است و هم می‌تواند در بهبود شرایط داخلی این کشور نیز اثرگذار باشد.



۵. موانع تجاری بین ایران و مصر

۱. موانع اقتصادی و ساختاری

در سطح اقتصادی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در حوزه نظام بانکی، انتقال مالی و بیمه، امکان شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش‌های راهبردی مانند نفت، گاز و پتروشیمی را به‌طور جدی محدود کرده است. افزون بر آن، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، لجستیک و کریدورهای تجاری میان دو کشور، هزینه مبادلات را افزایش داده و مانع شکل‌گیری زنجیره‌های پایدار تجارت دوجانبه شده است. نبود ارتباطات بانکی مستقیم و ناکارآمدی ابزارهای تسویه مالی نیز این محدودیت‌ها را تشدید می‌کند.

۲. موانع سیاسی و امنیتی پایدار

در سطح سیاسی، اختلافات ادراکی درباره نظم منطقه‌ای و پیامدهای پیمان کمپ‌دیوید همچنان یکی از عوامل کلیدی واگرایی است. از منظر ایران، این پیمان به‌عنوان نقطه عطفی در تغییر موازنه قدرت جهان عرب و تضعیف اجماع ضداسرائیلی تلقی می‌شود، در حالی که مصر آن را چارچوبی تثبیت‌شده برای امنیت ملی و ثبات مرزهای شرقی خود می‌داند. علاوه بر این، نگرانی‌های امنیتی قاهره درباره نقش منطقه‌ای ایران در موضوعاتی مانند غزه، دریای سرخ و ارتباط با برخی جریان‌های اسلام‌گرا نیز بر سطح بی‌اعتمادی سیاسی اثرگذار بوده است.

۳. موانع ژئوپلیتیکی و رقابت منطقه‌ای

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه نیز یکی از عوامل مهم در تداوم فاصله تهران و قاهره محسوب می‌شود. حضور بازیگران رقیب در معادلات امنیتی شرق مدیترانه و خلیج فارس و نیز تلاش برخی کشورها برای مدیریت موازنه‌های منطقه‌ای، فضای تصمیم‌گیری مصر را در قبال ایران پیچیده‌تر کرده است. در این چارچوب، روابط خارجی مصر تا حدی در پیوند با ائتلاف‌های گسترده‌تر عربی و غربی تعریف می‌شود.

۴. موانع نهادی و دیپلماتیک

فقدان کانال‌های نهادی پایدار برای گفت‌وگوی سیاسی، نبود سفارتخانه‌های فعال در سطح کامل و محدود بودن سازوکارهای رسمی همکاری دوجانبه، از جمله موانع مهم در مسیر عادی‌سازی روابط است. همچنین، نبود چارچوب‌های منظم در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی موجب شده تعاملات دو کشور عمدتاً مقطعی و واکنشی باقی بماند.

۵. موانع ادراکی، ایدئولوژیک و هویتی

در سطحی عمیق‌تر، تفاوت‌های ایدئولوژیک و ادراکی نسبت به نظم منطقه‌ای، نقش اسلام سیاسی و جایگاه ایران و مصر در جهان اسلام، به شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی تاریخی کمک کرده است. در هر دو کشور، جریان‌های سیاسی متفاوت برداشت‌های ناهمگونی از ضرورت یا امکان همکاری با طرف مقابل دارند که مانع شکل‌گیری اجماع پایدار در سیاست خارجی شده است.



۶. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

مصر در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی ژئوپلیتیک در خاورمیانه و شمال آفریقا، در مسیر بازتعریف نقش خود در نظم منطقه‌ای و اقتصاد جهانی قرار گرفته است. این کشور با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز در اتصال دریای مدیترانه، دریای سرخ و آفریقا و همچنین نقش حیاتی در کریدورهای تجارت جهانی از طریق کانال سوئز، در زمره بازیگران تعیین‌کننده در معادلات امنیتی-اقتصادی منطقه‌ای محسوب می‌شود. با این حال، اقتصاد مصر با مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری و شوک‌های بیرونی مواجه است که ظرفیت سیاست‌گذاری خارجی این کشور را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده است.

از منظر اقتصادی، وابستگی مزمن به واردات کالاهای اساسی به‌ویژه غلات، آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازار جهانی انرژی و غذا و فشارهای تورمی ناشی از بحران‌های بین‌المللی (از جمله جنگ اوکراین) موجب شده است که سیاست اقتصادی مصر به‌طور فزاینده‌ای به سمت تنوع‌بخشی شرکای تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی هدایت شود. در سطح ساختاری، هرچند برنامه چشم‌انداز توسعه پایدار ۲۰۳۰ و اصلاحات اقتصادی دولت قاهره در جهت کاهش نقش دولت و تقویت بخش خصوصی طراحی شده‌اند، اما همچنان اقتصاد این کشور با سلطه بنگاه‌های شبه‌دولتی و وابستگی بالا به سرمایه خارجی به‌ویژه از سوی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مواجه است.

در سطح ژئوپلیتیکی، مصر درگیر مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و هم‌زمان است؛ بحران آب ناشی از سد النهضة در حوضه نیل که مستقیماً امنیت ملی این کشور را هدف قرار داده است؛ رقابت ژئوپلیتیکی با ترکیه در مدیترانه شرقی و لیبی که به شکل‌گیری الگوهای رقابت هم‌پوشان امنیتی-انرژی منجر شده است و همچنین فشارهای ناشی از بی‌ثباتی‌های پیرامونی در لیبی و سودان که ریسک سرریز امنیتی به داخل مصر را افزایش داده است. افزون بر این، تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک تهدید ساختاری بلندمدت، با اثرگذاری بر منابع آب، تولید کشاورزی و امنیت غذایی، در حال تبدیل شدن به یکی از تعیین‌کننده‌ترین متغیرهای آینده سیاست خارجی مصر است.

در چنین شرایطی، سیاست خارجی مصر بیش از هر زمان دیگری به سمت تنوع‌بخشی راهبردی روابط خارجی و مدیریت هم‌زمان وابستگی و رقابت حرکت کرده است. روابط گسترده با اتحادیه اروپا، ایالات متحده و به‌ویژه کشورهای عربی خلیج فارس، نشان‌دهنده تلاش قاهره برای تثبیت موقعیت اقتصادی و امنیتی خود در محیطی پرریسک و چندقطبی است. در این میان، نقش فزاینده سرمایه‌گذاری‌های خلیج فارس در اقتصاد مصر، عملاً به یکی از ستون‌های ثبات اقتصادی این کشور تبدیل شده است و هرگونه تعامل جدید بازیگران منطقه‌ای، از جمله ایران، ناگزیر باید این واقعیت ساختاری را مدنظر قرار دهد.

در چنین بستر پیچیده‌ای، روابط ایران و مصر را نمی‌توان صرفاً در قالب یک رابطه دوجانبه کلاسیک تحلیل کرد، بلکه باید آن را در چارچوب گذار نظم منطقه‌ای خاورمیانه از الگوهای تقابل ایدئولوژیک به سمت رقابت-همکاری چندلایه فهم نمود.



در سطح منطقه‌ای نیز تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که خاورمیانه به سمت نوعی بازآرایی ژئوپلیتیکی و کاهش تنش میان قدرت‌های منطقه‌ای حرکت کرده است. عادی‌سازی روابط ایران و عربستان، بهبود نسبی روابط مصر و ترکیه و افزایش تمایل دولت‌های منطقه به اولویت دادن به توسعه اقتصادی بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی، فرصت کم‌سابقه‌ای را برای بازتعریف روابط ایران و مصر فراهم کرده است. تجربه کشورهای منطقه نشان می‌دهد که همکاری اقتصادی می‌تواند حتی در شرایط تداوم برخی اختلافات سیاسی نیز توسعه یابد. نمونه روابط ترکیه و مصر پس از سال ۲۰۱۳ به تدریج زمینه کاهش بی‌اعتمادی‌های سیاسی را فراهم سازد.

در چنین شرایطی، رویکرد مرحله‌ای و عمل‌گرایانه می‌تواند مؤثرترین مسیر برای توسعه روابط ایران و مصر باشد. تجربه موفق ویتنام و ایالات متحده آمریکا، هند و امارات متحده عربی و همچنین عربستان سعودی و عراق نشان می‌دهد که آغاز همکاری از حوزه‌های کم‌تنش و اقتصادی، به مرور زمینه گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی را نیز فراهم می‌کند. بر این اساس، تمرکز بر حوزه‌هایی نظیر تجارت، حمل‌ونقل، گردشگری، دارو، خدمات فنی و مهندسی، کشاورزی، فناوری و انرژی می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای گسترش مناسبات دوجانبه باشد.

پیشنهادهای سیاستی برای دولت

با توجه به محدود بودن سطح کنونی مبادلات اقتصادی و وجود موانع سیاسی، مالی و لجستیکی، توسعه روابط اقتصادی ایران و مصر نیازمند اتخاذ رویکردی تدریجی، مرحله‌ای و مبتنی بر منافع مشترک است. تجربه کشورهایمانند عربستان و عراق، امارات و هند و همچنین ترکیه و مصر نشان می‌دهد که همکاری‌های اقتصادی می‌توانند حتی در شرایط تداوم برخی اختلافات سیاسی نیز به‌عنوان موتور محرک عادی‌سازی روابط عمل کنند. در این چارچوب، مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی قابل پیشنهاد است:

۱. تدوین نقشه راه جامع همکاری اقتصادی ایران و مصر با مشارکت نهادهای دولتی، اتاق‌های بازرگانی، تشکلهای اقتصادی و بخش خصوصی دو کشور. این نقشه راه باید بخش‌های دارای مزیت نسبی، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت و سازوکارهای اجرایی توسعه همکاری‌ها را مشخص کند تجربه نهادهای همکاری‌های اقتصادی میان مصر و عربستان سعودی از طریق سازوکارهای هماهنگی دوجانبه و همچنین تجربه شورای مشارکت راهبردی امارات و هند نشان می‌دهد که ایجاد چارچوب‌های نهادی پایدار می‌تواند به کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش اعتماد متقابل و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های مشترک کمک کند. چارچوب‌های نهادی مشخص، نقش مهمی در تداوم همکاری‌های اقتصادی و کاهش اثر نوسانات سیاسی دارد.

۲. ایجاد سازوکارهای مالی و بانکی جایگزین برای کاهش آثار محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و تسهیل مبادلات تجاری. استفاده از تهاتر کالا، تسویه بخشی از تجارت با ارزهای ملی و بهره‌گیری از بانک‌های واسط منطقه‌ای از جمله ابزارهایی است که در سال‌های اخیر توسط کشورهای نظیر روسیه، ترکیه، چین و هند برای حفظ جریان تجارت خارجی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.



۳. حرکت تدریجی به سمت توافقات تجاری ترجیحی در حوزه کالاهای دارای مزیت رقابتی و سپس توسعه آن به موافقت نامه‌های جامع تر تجاری. تجربه توافقات ترجیحی مصر با کشورهای عربی و آفریقایی و همچنین توافقات تجاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد که کاهش تدریجی تعرفه‌ها می‌تواند زمینه افزایش حجم تجارت و شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش مشترک را فراهم کند.

چهارم، توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی و لجستیکی از طریق راه‌اندازی خطوط منظم کشتیرانی، تسهیل همکاری میان بنادر دو کشور و تقویت کریدورهای تجاری. موقعیت راهبردی مصر در کانال سوئز و دسترسی ایران به کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد پیوندهای لجستیکی جدید میان خلیج فارس، دریای مدیترانه، آفریقا و آسیای مرکزی ایجاد کرده است. تجربه همکاری هند و امارات در توسعه کریدورهای تجاری منطقه‌ای نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیکی می‌تواند به افزایش قابل توجه حجم تجارت دوجانبه منجر شود.

پنجم، بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک دو کشور برای دسترسی متقابل به بازارهای منطقه‌ای؛ مصر می‌تواند به‌عنوان یکی از دروازه‌های ورود کالا و سرمایه ایرانی به بازارهای آفریقا، شمال آفریقا و شرق مدیترانه ایفای نقش کند. در مقابل، ایران نیز با دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان و بخشی از شرق آسیا، می‌تواند مسیر جدیدی برای توسعه حضور اقتصادی مصر در این مناطق فراهم سازد. عضویت مصر در توافق نامه‌های منطقه‌ای مانند COMESA و دسترسی ترجیحی این کشور به بازارهای آفریقایی، اهمیت این ظرفیت را دوچندان می‌کند.

ششم، توسعه دیپلماسی گردشگری و فرهنگی به‌عنوان یکی از کم‌هزینه‌ترین و در عین حال پربازده‌ترین حوزه‌های همکاری. مصر یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری جهان است و سالانه میلیون‌ها گردشگر خارجی جذب می‌کند. در مقابل، ایران نیز از ظرفیت‌های قابل توجه گردشگری تاریخی، فرهنگی و مذهبی برخوردار است. تسهیل صدور روادید، افزایش پروازهای مستقیم، برگزاری نمایشگاه‌های مشترک گردشگری و طراحی بسته‌های سفر ترکیبی می‌تواند به افزایش تعاملات مردمی و ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی لازم برای توسعه روابط اقتصادی کمک کند.

هفتم، ایجاد سازوکارهای منظم گفت‌وگوی امنیتی و راهبردی میان دو کشور با هدف مدیریت اختلافات منطقه‌ای و جلوگیری از تأثیرگذاری آن‌ها بر همکاری‌های اقتصادی. تجربه گفت‌وگوهای امنیتی ایران و عربستان که در نهایت به احیای روابط دیپلماتیک دو کشور منجر شد، نشان داد که تداوم ارتباطات امنیتی و سیاسی می‌تواند نقش مهمی در کاهش سوءبرداشت‌ها و ایجاد فضای اعتماد متقابل ایفا کند. در مورد ایران و مصر نیز شکل‌گیری یک کمیته دائمی مشورتی در حوزه‌های امنیتی، دریایی و منطقه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز پایداری بیشتر روابط اقتصادی و سیاسی در آینده باشد.

پیشنهادهای سیاستی برای بخش خصوصی

با توجه به محدود بودن سطح روابط اقتصادی ایران و مصر در دهه‌های گذشته، بخش خصوصی دو کشور می‌تواند نقش پیشگام را در شناسایی فرصت‌های همکاری و کاهش هزینه‌های ناشی از فقدان ارتباطات نهادی ایفا کند. تجربه توسعه روابط



اقتصادی میان ترکیه و مصر پس از تنش‌های سیاسی سال ۲۰۱۳ و همچنین گسترش مناسبات اقتصادی امارات و هند نشان می‌دهد که فعالان اقتصادی و اتاق‌های بازرگانی اغلب پیش از نهادهای سیاسی زمینه‌های همکاری را ایجاد کرده‌اند.

در این چارچوب، تشکیل شورای مشترک بازرگانان و سرمایه‌گذاران ایران و مصر می‌تواند به‌عنوان نخستین گام عملی برای شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تبادل اطلاعات بازار، رفع موانع تجاری و ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان بنگاه‌های اقتصادی دو کشور عمل کند. تجربه شوراهای مشترک تجاری مصر با کشورهای عربی و اروپایی نشان داده است که این نهادها نقش مؤثری در افزایش حجم تجارت و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری، سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع دارویی، تجهیزات پزشکی و خدمات سلامت است. مصر با جمعیتی بیش از ۱۱۰ میلیون نفر یکی از بزرگ‌ترین بازارهای دارویی منطقه محسوب می‌شود و دولت این کشور نیز در چارچوب چشم‌انداز مصر ۲۰۳۰ توسعه صنایع دارویی و تجهیزات پزشکی را در اولویت قرار داده است. از سوی دیگر، ایران در سال‌های اخیر توانسته در تولید داروهای ژنریک، محصولات بیوتکنولوژی و تجهیزات پزشکی به توانمندی‌های قابل توجهی دست یابد. ایجاد شرکت‌های مشترک تولیدی یا انتقال فناوری می‌تواند زمینه ورود محصولات ایرانی به بازار مصر و حتی بازارهای آفریقایی را فراهم کند.

در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی نیز فرصت‌های متعددی برای همکاری وجود دارد. مصر یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مرکبات، سبزیجات و برخی محصولات باغی در منطقه است و ایران نیز در تولید خشکبار، محصولات باغی و صنایع تبدیلی کشاورزی مزیت نسبی دارد. ایجاد مراکز مشترک بسته‌بندی، فرآوری و صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند ضمن کاهش ضایعات، ارزش افزوده صادراتی دو کشور را افزایش دهد. همچنین توسعه همکاری در حوزه زنجیره سرد، انبارداری و لجستیک مواد غذایی می‌تواند به ارتقای امنیت غذایی و گسترش صادرات متقابل کمک کند.

از سوی دیگر، شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور ایرانی می‌توانند از ظرفیت‌های رو به رشد بازار دیجیتال مصر بهره‌برداری کنند. دولت مصر طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در توسعه اقتصاد دیجیتال، شهرهای هوشمند، زیرساخت‌های ارتباطی و اکوسیستم استارت‌آپی انجام داده است. بر اساس گزارش وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصر (MCIT)، بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد اقتصاد این کشور محسوب می‌شود. در این چارچوب، شرکت‌های ایرانی فعال در حوزه‌های هوش مصنوعی، امنیت سایبری، سلامت دیجیتال، فین‌تک، آموزش الکترونیک و خدمات نرم‌افزاری می‌توانند فرصت‌های قابل توجهی برای حضور در بازار مصر و توسعه همکاری‌های فناورانه مشترک پیدا کنند. در نهایت، بخش خصوصی ایران باید مصر را نه صرفاً به‌عنوان یک بازار مصرفی، بلکه به‌عنوان سکوی ورود به بازارهای آفریقا و جهان عرب در نظر بگیرد. مصر از طریق عضویت در توافق‌نامه‌هایی مانند COMESA، منطقه آزاد تجاری عربی (GAFTA) و توافق مشارکت با اتحادیه اروپا، به بازار صدها میلیون مصرف‌کننده دسترسی ترجیحی دارد. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از مصر به‌عنوان پایگاه تولید و صادرات به بازارهای آفریقایی استفاده می‌کنند. بنابراین ایجاد دفاتر منطقه‌ای، مراکز توزیع و واحدهای تولیدی مشترک در مصر می‌تواند به شرکت‌های ایرانی امکان دهد با هزینه کمتر و دسترسی بهتر وارد بازارهای آفریقا، شرق مدیترانه و جهان عرب شوند.

منابع

Albedwawi, A. (2022). Is Egypt on the Way to Becoming a Regional Power. Near East South Asia Center for Strategic Studies.

Shama, N. M. (2020). Egypt's Middle Power Aspirations under el-Sissi, Unfulfilled Aspirations Middle Power Politics in the Middle East (A. Saouli, Edited by).

Chaziza, M., & Lutmar, C. (2025). Between constraint and opportunity: Egypt's niche diplomacy in a shifting global order. *World*, 6(4), 138.

Pennaforte, C. P., & Santos, M. J. D. S. (2024). EGYPTIAN FOREIGN POLICY UNDER AL-SISI GOVERNMENT: PATHS TO DIVERSIFICATION OF PARTNERSHIPS. *Brazilian Journal of African Studies/Revista Brasileira de Estudos Africanos*, 9(18).

Cohen, J., & Helwa, R. (2025). The green gold rush: Why renewable energy is Egypt's next big opportunity. Atlantic Council.

World Bank

International Monetary Fund

International Trade Centre

Chatham House

International Peace Studies Center (IPSC)

United Nations

United Nations.(2025). The Worlds Cities in 2025.

Washington Institute.

Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Türkiye.